

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شماره ۱۴

پیکار

دوشنبه ، هشتم مرداد ماه ۱۳۵۸ ، شماره ۱۵ رسال

صفحه

چرا در انتخابات مجلس خبرگان شرکت میکنیم؟ ۱۲

سخنی با هواداران پیرامون وظایف ما در قبال انتخابات مجلس خبرگان ۹

بلشویک ها و مسئله شرکت در مجالس مقننه ۴

گزارشی از تحصن زنان کشاورز روستای حصارک خروان ۸

در کهگیلویه و بویر احمد چه میگردد؟ (۲) ۷



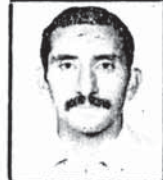
رفیق ابراهیم نظری
صفحه ۱۲

کاندیداهای ما با هدف انعکاس خواست زحمتکشان، دفاع از منافع آنها و افشای ارتجاع در انتخابات شرکت می کنند

شرح حال مختصری درباره رفقای که از جانب شش گروه، بعنوان کاندیدای تهران، معرفی شده اند:



رفیق افخم احمدی صفحه ۱۲



رفیق مرتضی الادپوش صفحه ۹

چرا میکوشند همافران را منفرد کنند؟

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی: "ما باید وابسته به آمریکا باشیم"

بک فرمانده نیروی هوایی:

آقایان و خانمها کارهایتان را طوری مرتب و دقیق انجام دهید که وقتی آمریکا آنها آمدند ، نگویند ما عرضه نداشتیم

فقدان یک تکلیفات رهبری کننده انقلابی که نماینده طبقات محروم و ستمدیده خلق ما باشد، درجه سه انقلاب و بجای آن قرار گرفتن نمایندگان بورژوازی لیبرال و لانه بالایی خرده بورژوازی در رأس حشیش از یکطرف و تحریبات فراوان امپریالیسم آمریکا - که به قیمت خون میلیونها انسان در سراسر جهان و در روبروئگی با انقلابهای گوناگون کسب شده است - از طرف دیگر ، نبرد مسلحانه خلق را در همان نخستین گامهای قیام بهمن ماه متوقف نمود . اعلام اصطلاح همبستگی ارشش با ملت به امر امپریالیسم آمریکا ، بعد از ملاصدرا نماینده اش " هوپرز " و پذیرفتن این " همبستگی " توسط رهبری مانع از آن شد که خلق به پیش تازد و ما شین جنگی رژیم سرمایه داری وابسته ایران را در یک مبارزه سخت و خونین نباشد کند . دولت موقت " انقلابی " و رهبری در حالیکه هنوز ارشش نا هشتا هی در گوشه و کنار کشور در حال ریختن خون هموطنان قهرمان ما بسود ، حکم " ملی " شدی آنها اعلام نمودند و اسلام آوردن چنین ارشش را تشریک گفتند . و در عوض مبرانه از توده ها درخواست کردند که هر چه زودتر بلاهای خود را تحویل دهند . چرا که اسلحه فقط برای زنده ارشش " ملی " بود ! ارشش که ما تسلیم خود - بزعم آقای بازرگان - انقلاب را به پیروزی رسانده بود ! آنچه که امپریالیسم آمریکا از اعلام همبستگی ارشش انتظار داشت ، تا بود شدن کامل ما شین جنگی اش در ایران بود . امپریالیسم آمریکا میدانست که نبرد مسلحانه توده های در مورثیکه با مقاومت ارشش ضد خلقی روبرو شود تداوم نیابد و قوام میگردد . و دیگر نه تنها جایی برای لیبرالها و سازشکارانی چون بازرگان در حشیش باقی نماند ، بلکه زمام امور نیکی از دست رهبری خرده بورژوازی نیز بدر می رود و دیگر این نمایندگان کارگران و مایسز زحمتکشان هستند که در دوران جنگ مسلحانه در رأس حشیش قرار میگیرند . نبرد مسلحانه توده های با به خیابان کشاندن توده ها برای نظا هرات مسالمت آمیزه ، نظامی

ادامه در صفحه ۲

نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر - ۳ آرایش نیروهای اجتماعی پس از قیام و تحول سیاسی

اما آنچه در پی آمد تحول سیاسی ما غرنا همدوسیم ، نه نابودی کامل قدرت سیاسی رژیم پیشین و ارتجاع داخلی وابسته به امپریالیسم ، بسود و نسبه نیروهای سیاسی ای که بدلیل ماهیت طبقاتی شان ، صد بار بیشتر به ضد انقلاب روی میا آوردند تا به انقلاب - نیروهای که ماهیتاً سازشکار و وسیعاً آماده اتحاد با ضد انقلاب اند - از قدرت سیاسی قاطعانه طرد شدند . در جریان این تحول ، متقابلاً توده ها نتوانستند متعاضی قدرت سیاسی دست یابند تا با تکیه بر آن بتوانند

ادامه در صفحه ۵

از آنجا که جامعه ما در دوره گذشته یک جامعه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بود و نهاد اصلی آن را تفاد خلق و امپریالیسم تشکیل میداد ، تحول انقلابی آن منوط به تغییر ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه یعنی نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیستها و سمارت دیگر حل تفاد اصلی جامعه می بود . این دگرگونی بنیادی جنبه سیستمی در عمرا امپریالیسم ، یعنی عمرا تحفا روگندیدگی سرمایه داری تحقق نخواهد یافت مگر با دستیابی کامل نیروهای خلق به تمام قدرت سیاسی به رهبری پرولتاریا .

یک نوع ، انقلاب کودتائی (؟) مانند انقلاب رفاهان فلدرا ، انقلابی که " قاطع " و " قوی " بود و به پیش میرفت . - پشتیبانی های " انگلیسی ها هم - ملاحظه نیست ، مهم اینست که این انقلاب " قاطع " و با قدرت بوده و ارشش و دولت را " تقویت کرده است و برای روشن تر شدن مفهوم انقلاب کودتائی ، آقای بازرگان نمونه مشابه کودتای عبدالناصر در مصر را ذکر کنرد ! وجه تشابه انقلاب رفاهانی و نامری ، ظاهراً در تصوف قدرت سیاسی است و اینکه یکی نوکر انگلیسها و دیگری شخصی ملی و میهن پرست بوده ، برای ایشان تفاوتی ندارد !

نوع دوم انقلاب را آقای بازرگان با تکیه بر فرهنگ لغات خود ساخته اش ، انقلابات حزبی " نامداد و و طبق معمول برای " روشن تر شدن " موضوع مثالی هم

ادامه در صفحه ۹

تعریف انقلاب توجیه خیانت

نطق را دیوبلتویستی سخت وزیر دولت موقت در روز پنجم ۲۸ تیرماه سراپا درس تاریخ بود . درس آموزنده ای که حرص و ولع بورژوازی و ترس او را از توده ها به وضوح و روشنی نمایش میداد . و نشان میداد که چگونه بورژواها تاریخ را از پس عینک منافع طبقاتی خویش ، برانداز میکنند ؟

آقای بازرگان انقلاب را به سه نوع تقسیم کرد:

دروغ بر خلق قهرمان نیکاراکوئه

سراجام با فتح ما کوئه با بنت کشور نیکی - راکوئه توسط توده های مسلح ، حنگ داخل - می در

ادامه در صفحه ۱۱

پیشی بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول
 اساسی دارد و این دیگر امری نبود که از عهده نمایندگان خرد بورژوازی مرفه برآید .
 اما اگر بورژوازی لیبرال منافع در سازش با امپریالیسم داشت و نمایندگان خرد بورژوازی مرفه بخاطر خصلت طبقاتی و توهمات لیبرالی شان مرفه امپریالیسم را میخوردند ، توده ها و نیروهای انقلابی و پیشرو خلق هیچ نمعی از این سازش و نرمش و "ملی" خواندن ارتش و اسلام آوردن آن عایدشان نمیشد . آنها اشهاد ارتش ضد خلقی شاه را اراده کرده بودند و بدین راحتی نمیتوانستند شاهد جان بدر بردن آن از دستهای شونای خود باشند . بدین ترتیب بود که موج اعتراضی نسبت به سیاست دولت و رهبری در رابطه با ارتش سرخوشیدن گرفت . توده ها نمیتوانستند باور کنند ارتش که دهها هزار نفر از عزیزان آنان را در عرض مدتی کمتر از یکسال بکالی و خون کشیده است ، ارتشی که سالها از منافع و مطامع امپریالیستها و رژیم دست نشانده آنان در ایران و منطقه حفاظت و حراست نموده است ، ارتشی که پنجاهای خونینش حتی گلوئی خلقهای منطقه را نیز در هم فشرده است ، بگفته ما هیتلر ضد مردمی و ضد خلقی اش به ما هیتلر مردمی و ملی مبدل شود .

فشار توده ها،

عقب نشینی رهبری و دولت

در مقابل فشار توده ها و نیروهای انقلابی و به ویژه پرسنل انقلابی ارتش و در این میان همافران مبارز که خود منتظران ارتش را در قیام ایفا کرده بودند دولت و رهبری مجبور شدند به تصفیه نیم بندی در ارتش تن در دهند تا موج فزاینده اعتراضات مردم فروکش کند . و وقتی این تصفیه نیم بند هم بدست شخصی چون قهرنی صورت پذیرد واضح است محتوای این تصفیه چه خواهد بود . بهرحال دولت و رهبری با این به اصطلاح پاکسازی خیال خود را آسوده نمودند . و با تبلیغات مداومی که در وصف "ملی" شدن و اسلامی شدن ارتش راه انداختند توانستند به گروهی از مردم هم میوفتند بقبولانند که ارتش شانهایی ضد ملی به ارتش "ملی" جمهوری اسلامی تبدیل شده و هر لحظه آماده است که در راه منافع ملی جانبازی کند . اما اگر بسیاری از مردم در اثر ناآگاهی و اعتماد شان به رهبری ، ادعای رهبری و دولت را پذیرا شدند و از دامنه اعتراضاتشان منسی بر تشکیل ارتش خلقی گاشته شد ، نیروهای میسارزو و انقلابی و خودما پرسنل انقلابی ارتش و در پیشاپیش آنها همافران مبارز که خود سالیان سال نقش ضد خلقی ارتش و فساد درونی اش را با گوشت و پوست خود و به بهای تنبوهی از تحقیر ، تهدید ، توهین و شهادت و شهادت تجربه کرده بودند نمی توانستند در مقابل این سازش و خنک کردن رهبری و این پیش قدمی مبدع محکوم به شکست و شکست پیسته سازند و لب فرو بندند . مخصوصا آنکه آنها متاذه میکردند که بسیاری از فرماندهان مزدور و جاگر-ان جان شتر رژیم پهلوی که در سرکوب توده های قهرمان خلق بد طواری دارند در پست خود ایفا شده و با حسی ارتقا مقام یافته اند . ضد اطلاعات که قلب هر ارتشی آزادخواه و میهن دوستی از شنیدن نامش فشرده میشود سینه اش بر از خشم و نفرت میگردد تحت پوشش " سازمان تداوم انقلاب" و به فرمان نخست وزیر ، فعالیت خود را با همان پرسنل سابق مجددا آغاز میکند . فساد انقلابیون و از جمله فدا نمایان ارتشی مودع و مودع مرحمت قرار میگردد ، شرکت نظامیان در احزاب و میتینگها ممنوع میشود ، اذرم بلدم امرای ارتش منسی بر لزوم و فروروت رعایت انضباط جهنمی ارتش و احترام به سلسله مراتب سلسله مراتب آریامهری - کوش خلقها و توده های آگاه و از جمله ارتشی از ادیخواه و عد امپریالیست رابما زیادو فلسفها را از اندوهی جاکنده از مالامال میکند . در کنار دادن این امتیازات و خشنک به ارتجاع و خیانت های آشکار به خلق ، تصفیقات و فشارها بر علیه نیروهای انقلابی در سطح جامعه و پرسنل انقلابی و مبارز ارتش و سوبسزه همافران ، در درون ارتش فزونی میکبید .

دولت حامی سرمایه داران به بازسازی ارتش نیازمند است

دولت حامی سرمایه داران و زمینداران بزرگ ، هکست به بازسازی ارتش برای روبروش با رخصتگان و خراست از منافع سرمایه داران نیازمند است . نرمش و مدارا با

توده ها و پرسنل انقلابی ارتش در رابطه با بازسازی ارتش ایذا جایز نیست . اگر دیر اقدام شود ، اگر سر ارتش بازسازی نشود ، هم آنکه حکومت سازگان را بخاطر بیباقتی وجود دارد . پس با شام قوا در جهت بازسازی ارتش آریامهری به پیش! اما هرچه فشار مادی و معنوی دولت و رهبری برای برآه انداختن هرچه سریعتر ارتش افزایش مییابد اعتراضات و مقاومت های نیروهای آگاه درون و بیرون ارتش نیز فزونی میکبید . سوبسزه آنکه اینها کارنامه ارتش "ملی" را قبل از بازسازی کامل و علیرغم فحش در سنج ، کشید و نغده پیستی روی دارند و میدانند که ارتش اساسا همان ارتش قبلی است با همان نهادها و همان ضوابط . اگرچه قسمت اعظم این ارتش از سربازان ، درجه داران ، همافران و افسران آزادخواه و فد امپریالیست و تحت ستم تشکیل شده باشد .

این بار هم مانند زمان قیام ، این همافران مبارز و آگاه ارتش بودند که بیکنام پرسنل انقلابی ارتش شدند و به همین دلیل هم پیش از هر نیروی دیگری در ارتش مورد فشار و تهمت قرار گرفتند و میگورند . همافران که پیشروترین پرسنل ارتشی از میان آنها برخواستند است ابتدا باید منفرد و سرکوب شوند تا شرایط مادی برای " پاکسازی " ارتش مهیا شود .

برای منفرد کردن همافران کوشش های سیستماتیک در جریان است تا مابین آنها و درجه داران و افسران جزء اختلافات فرعی و تفادهای غیرمهم را دامن بزنند و با رو در رو قرار دادن آنها با دوسته فوق الذکر اولاً قسمت مهمی از نیروهای پرسنل انقلابی ارتش و به ویژه همافران را درگیر بخروردهای بین توده های ارتشی بکنند و ثانیاً آنها را از هدف اصلی خود که مبارزه با امپریالیسم و عوامل آن در درون ارتش است - هدفی که همافران مبارز اساساً به خاطر آن دست به تحمن و اعتراض زدند - منحرف کرده و بازدارند . در ایسین راه از برخی درجه داران و افسران ناآگاه یا مرتجع استفاده میشود تا اذهان را نسبت به خواسته های همافران متشوب کنند . و با آنکه همافران بارها و بارها بر روی سیاسی و فد امپریالیستی بودن خواسته های خود تاکید ورزیده اند (۱) ، تلاش میشود که از زبان برخی از درجه داران و افسران و یا توسط خود امرای ارتش خواسته های همافران منحصراً گروهی و رفاهی منکس شود و در کنار این تبلیغات و تحریفات ، فشار بر همافران بخاطر خواسته های مترقی و قانونی سیاسی شان افزایش مییابد و این کامل طبیعی است . دولتی که نخواهد و نتواند بر نیروی لایزال توده ها تکیه کند ، دولتی که طی حیات پنج ماهه اش نشان داده است مدافع حامی سرمایه داران و زمینداران بزرگ است ، ناگزیر است که برای حفظ مطلق خود ، برای مقابله با مسائل و مشکلات فاض و پیچیده ای که روبرو دارد ، به ارتش سرکوبگری با تمام نهادهای ضد مردمی و ضد خلقی اش تکیه کند . به ارتش که ساخته دست امپریالیست ، است ، به ارتشی که بعد از قیام فقط یک تصفیه نیم بند را پشت سر گذاشته است . چنین ارتشی برای دولت آفاسی بازرگان لازم است تا بتواند در مقابل خواسته های بحق توده ها با گلوله پاسخگو باشد . همانطور که در کردستان ، کشید ، نغده ، خرمنشیر و ... پاسخگو شد .

دست تمنا بسوی امپریالیسم آمریکا

وقتی هدف بازسازی و قوام این ارتش باشد ، وقتی دولتی حیات خود را متراقد با اجبا و بازسازی چنین ارتشی ببیند برای بازسازی آن به هر راه و شیوه ای هم متوسل خواهد شد . حتی اگر این راه از کانال امپریالیسم آمریکا استفاده از مستشاران نظامی اش بگذرد (۲) . و چنین است که میبینیم تلاش را می بیند تا مستشاران نظامی آمریکا که در اثر مبارزات قهرمانانه مردم ما اخراج شده اند مجدداً برای " بکار انداختن واسنل مدرن و پیچیده موجود در ارتش " بازگردانده شوند و طوق اسارتی را که بر گردن خلق ما هست و هنوز بهیچ وجه پاره نشده است بکنند . آری هدف اینست که ارتش بازسازی شود حال برای طی چنین طریقی اگر لازم باشد شخصی چون رحیمی نیز که هم معتقد به "ملی" بودن ارتش است و هم طرفدار سرکوب خلق توسط ارتش و حتی از اینکه ارتش تا کنون آشپور که باید در سرکوبی شرکت نداشته بخت دل آورده است (۳) ، باید از سراه برداشته شود ، چرا که او مخالف بازگشت مستشاران آمریکائی است . استدلال او اینست که ما با همین کادر متخصص موجود در ارتش قادریم ارتش را بازسازی کنیم . اما عقیده دولت و سایر امرای ارتش غیر از اینست . آنها در عین آنکه شدت برای بازسازی ارتش بیجا بسی

میکند یکی از کلیدهای حساس و مهم این بازسازی و نقویت ارتش را در بازگشت مستشاران نظامی آمریکائی میسی - بیستند . ادامه دارد ...

پاورقیها

- (۱) - نمایندگان همافران : " تحمن و اعتصاب ما معنی صلح بین المللی و پاکسازی ندارد . بلکه قدم ما از تحمن ، متوجه گردن افکار عمومی نسبت به مسائل سیاسی مملکت است . که به همه افکار ایران مربوط می - شود . " (آیندگان دوشنه ۱۸ تیر)
- (۲) - " اولین خواست همافران پاکسازی ارتش ، محصوما نیروی هوایی از وجود عناصر ضد انقلاب مییابد ... از نامه ۱۷ همافر . به نقل از ندای آزادی شنه ۲۴ تیر . و نیز رجوع کنید به فلطنامه چهارماده ای همافران (ندای آزادی ، مورخه ۱۴ تیر)
- (۳) - از سخنان یک فرمانده در نیروی هوایی بعد از قیام : " آفایان و خانم ها ، کارهایتان را طسوری مرتب و دقیق انجام دهید کوقتی فردا آمریکا بیجا آمدند ، نکویسد ما عرضه نداشتیم به تنهایی کامیونتر ها را نگهداری کنیم . " به نقل از نامه یک همافر نیروی هوایی کامیونتر - تبران - فرماندهی لجستیکی - مندرج در آیندگان ، یکشنبه ۳ تیر .
- (۴) - " ما باید وابسته به آمریکا باشیم ، زیرا واسنل نظامی ما وابسته به آمریکا مییابد و ما اعلان میسی - توانیم غیر متعهد باشیم " . از سخنرانی تیمار فلاحی فرمانده نیروی زمینی در دانشکده افسری ، در تاریخ ۵۸/۴/۱۱ - به نقل از سرباز و انقلاب ، شماره ۹ .
- (۵) - امیر رحیمی میگوید : " برای من جای تابعداست از اینکه ارتش ما ، لشکرهای ما ، لشکرهای رزمی ما ، و هواپیماهای سنگین روی زمین مانده اند در حالیکه در استانهای مختلف تابسانانی هست . این چیزی است که من همیشه با آن مخالف بودم .

در این ترمید نسبت به وظیفه اصلی ارتش دفاع از مرزهای مملکت است ولی وقتی یکی از استانهای مملکت دچار آشوب میشود

درباره ترکیه

نگاهی به سازمانهای سیاسی آن

ادامه از شماره قبل
 در زمانی که هنوز مبارزه ایدئولوژیک بر سرش - های فوق جریان داشت قیام ۱۶ - ۱۵ زوشن روی داد . گروه های انقلابی در مقابل این عمل کاملاً خود را باختند و دیدند که از خلق بسیار عقب مانده اند . اجتماعات روشنگری قطع شد . گروههای طرفدار خط چریکی یکی پس از دیگری وارد میدان عمل شدند و حدوداً از همان سال ۷۵ و به ویژه بعد از قیام ۱۶ - ۱۵ زوشن دست به عمل زدند .
 در این موقع مبارزات کارگری و دهقانی مسوج نویسی یافته بود . عده ای از دهقانان به فلسطین برای گذراندن دوره های آموزش نظامی میرفتند . همسنگور عده ای از کارگران ترک مقیم اروپا با هواپیما به بیروت و از آنجا به پایگاه های فلسطینی برای آموزش نظامی میسی رفتند .
 وجود مبارزات اقتصادی و سیاسی توده ها و همین طور شروع عملیات چریکی ، امپریالیسم و طبقات حاکمه در ترکیه را شدیداً به تکاپو انداخت .
 نظامیان اطرا را برای در ۱۴ ماده به حکومت دسیرل داده و اورا ساقط کردند و حکومت نظامی روی کار آمد . (در ۱۲ ماه ۱۹۷۱)
 قبل از همه سازمانها ، جبهه THKPC عملیات مسلحانه را در شهر تحت رهبری ما هرجان شروع کرد . بعداً ارتش آزادیبخش خلق تحت رهبری دسیر کزمیشین و حسین ایمان وارد میدان شدند .
 اما در PDA (و با حزب انقلابی کارگران و دهقانان ترکیه) بحث بر سر مئی در گرفت .
 در PDA روشنگرانی جمع شده بودند که تحت تاثیر انقلاب و مبارزات ایدئولوژیک چین بطور دکمراه

گرامی باد خاطرۀ رفیق شهید علی اصغر دورس



درفولی دلورانه مقاومت کردند . طی این درگیری که دو ساعت بطول انجامید ، رفقا : دورس و محمدصادق گلشن نهرانی به شهادت رسیدند و بتول فقیه درفولی به اسارت افتاد . شهادت رفیق دورس زیانزدگانه گمانی است که شاید درگیری کوی طلاب بوده اند . در جریان این درگیری مزدورانی به اسامی هرمز جباری ما مور ساواک و سروان شریفی که بعداً درجه سرگردی گرفت و نیز شخصی بنام آنتی شرکت داشتند . جریان این درگیری در روزنامه های نهم مرداد ماه ۵۴ تحت عنوان " کشف یک شبکه وسیع فراگیری در مشهد " همراه با دو فیهرازیبهای معمول چاپ شد .

رفیق شهید دورس جوانی پرشور ، بهر تحرک و فداکار بود و همه امکاناتش را در راه خدمت به خلق زحمتکش و سازمان انقلابی بکار میگرفت . برای او رهاشی زحمتکش ترین اقشار خلق به ویژه طبقه کارگر اهمیت درجه اول داشت . او با تحولات ایدئولوژیک بخش مشتب (م . ل) سازمان ما حادین خلق ایران هم آهنگ و راه او رهاشی بنیادی انسان از ستم امپریالیسم ارتجاع و استعمار بود .

همزمان با شهادت رفیق دورس ، رفیق شهید عبدالله امینی نیز در حالیکه در شهر به پیش و چساندن اعلامیه بدیوار مشغول بود با مأموران جنایتکار ساواک درگیری و زخمی دستگیر شد که به موقع خود از این رفیق شهید نیز یاد خواهیم کرد .

گرامی باد خاطرۀ رفقای شهید دورس ، گلشن نهرانی و امینی
هرچه فروتنتر یادشورا انقلابی خلق براه افکندن هرگونه ستم و استعمار

پس از گذراندن یک دوره کمک مهندسی رادیسو تلویزیون در شرکت توانیر استخدام شد ولی چون پشت میز نشینی با روحیه بر تحرک او سازگار نبود استعفا داد و در نتیجه آشنای قدیمی که با رفیق شهید عبدالله امینی داشته کار سیاسی و انقلابی علاقمند تر گردید و از آن بسعد در رابطه با سازمان محادین خلق ایران قرار گرفت و تمامی امکانات خود را در جهت رفع نیازهای سازمان قرار داد و از طرف سازمان ، از طریق رفیق شهید عبدالله امینی ما موریت یافت که عمدتاً به منظور کسب اطلاعات دقیق از فعالیت های ساختاری با بگانه نظامی چاه بهار به آنجا رود . او با شرکت یک نفر دیگر یک کامیون کمبرسی خرید و در چاه بهار مشغول به کار شد و اطلاعات دقیقتری در رابطه با این طرح امپریالیستی نظامی بدست آورد و در اختیار سازمان گذارد رفیق دورس که از حرکت انقلابی چشمگیری برخوردار بود و قدرت فوق العاده ای در جوشش با توده ها داشت در شناختن راههای مریزی بین ایران و افغانستان و دخول و خروج رفقای مخفی سازمان فعالیت ارزنده ای داشت و خدمات قابل توجهی در این راه به انقلاب می نمود . رفیق از اردیبهشت ۵۴ که ساواک در مدد دستگیری او برآمد زندگی مخفی را برگزید . او به کمک خانواده اش و رعایت اصول امنیتی از اطلاعات امنیتی ضروری مطلع میگشت و از همین طریق توانسته بود چند بار خود و شاخه سازمانی را که در آن کار میکرد از پیگرد پلیس نجات دهد .

در سحرگاه ۴ مرداد ۱۳۵۴ خانه تیمی او در کوی طلاب مشهد ، مورد محاصره قرار گرفت . او به اتفاق با ران رزمده اش محمدصادق گلشن نهرانی (که رزم شاه خاشن او را بنام کاظم مدنی اعلام کرد) و بتول فقیه

در نیمه اول سالهای ۵۵ که کامیون رژیم جنایتکار شاه بر کنور ما سابه شوم خود را گسترده بود ، در آن زمان که امپریالیسم جهانی و بورژوازی وابسته برای تحکیم و ادامه سلطه جابرانه خویش توده های زحمتکش را میبکشد و بسیاری از انقلابی نماهای پس از انقلاب که اکنون واژگونی سلطنت را نا جوانمردانه و خنگ نظرانه از آثار سر انگشتان خود و طرز تفکر خود میدانند ، عمدتاً به سکوت رعایت آمیز و توجیه سی عملی خود مشغول بودند . در آن زمان که حتی اندیشه انقلاب کردن و فکر در افتادن با دیو ساواک و . . . جنارت و ایمان به بهروری نهایی خلق را طلب میکرد ، کم نبودند جوانان انقلابی و رزم آوری که جان در راه آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان خلق گذاردند و سی هیچ چشمه اندازی بر کلیه توجیهات اطلاع طلبانه و فرار از مسئولیت به پشت پا زدند و سروجان را در راه انقلاب باختند . یکی از اینان ، رفیق شهید علی اصغر دورس بود .

او در سال ۱۳۲۷ در یک خانواده متوسط در شهر مشهد متولد شد . دوره تحصیلی را در دبستان دیانت و دبیرستانهای اسن بعین ، فردوسی و جهان دانشی مشهد گذراند و دبیر خود را از تهران گرفت و دوران خدمت نظام را در سپاه ترویج و آبادانی در منطقه بسین قوچان و دره گر سیری کرد . او با دردهای مردم ستمدیده آشنای نزدیک داشت و بخاطر کمکهایش که به دهقانان در مورد برداشت آنان میکرد و بخاطر فرار از سربازی با مشکلات زیادی مواجه شد .

سعادت بی خادم خلق است

- ۱- رابعده داشت .
- ۲- ه : در ترکیه و کشورهای نظیر ترکیه (نیمه مستعمره نیمه فئودال) فاشیسم ، دیکتاتوری بورژوازی بزرگ و فئودالیهاست .
- ۳- جنبه واحد خلق با تکیه بر اتحاد کارگر- دهقان بعد از تاسیس قدرت سیاسی سرخ در یک و با چند مسئله به تحقق خواهد پیوست .
- ۴- و : ما باید از حق تعیین سرنوشت ملتها بدست خویش بدون هیچ قید و شرطی دفاع کنیم .
- ۵- احزاب عدالت ، اعتماد ملی ، دمکرات و جناح ایسولوشنی حزب جمهوری خواه خلق ، احزاب سیاسی حافظ منافع گوناگون بورژوازی وابسته به آمریکا و فئودالها هستند و جناح اوبیتی حزب جمهوری خواه خلق دارای خصلت خرد بورژوازی است .
- ۶- ز : نقطه نظرات در مورد مسائل املی و فرعی مبارزه و سازماندهی در مرحله انقلاب دمکراتیک خلق چنین بود :
 - ۱- مرکز اصلی فعالیت انقلابی روستا ست و فعالیت انقلابی در شهر جنبه فرعی دارد .
 - ۲- محور مبارزه ، مبارزه مسلحانه . دیگر اشکال مبارزه جنبه فرعی دارد .
 - ۳- کار مخفی املی و شکل علنی کار فرعی است .
 - ۴- مادام که دشمن از ما قویتر است ، استراتژی دفاع املی است .
 - ۵- در استراتژی دفاع تاکتیک تعریفی جنبه املی و تاکتیک دفاعی جنبه فرعی دارد .
 - ۶- در مبارزه مسلحانه مبارزه چریکی اصل و دیگر اشکال مبارزه فرعی است .
 - ۷- در دوره استراتژی دفاع در شهرها (شهرهای بزرگ) شیوه املی ، جمع آوری نیرو و بدینال فرصت نشستن است و ترتیب قیام دادن فرعی است .
 - ۸- اصلی ترین سازماندهی ها سازماندهی حزب است .
 - ۹- در بین دیگر اشکال سازماندهی ، سازماندهی مبارزه مسلحانه املی است .
 - ۱۰- تکیه گاه اصلی باید بر نیروهای خودی باشد و تکیه بر متحدین جنبه فرعی دارد .
 - ۱۱- در کشور ما شرایط برای مبارزه مسلحانه وجود دارد . با توجه به مواد افلاکنا میتوان به منشی و سیاست ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه در ما بین سالهای ۲۲ - ۲۵ پی بود .
 - ۱۲- ادا ما دارد

آزادیبخش خلق ترکیه و جنبه آزادیبخش خلق ترکیه و اشتعاباتی که بعداً در آنها روی داده و میبهرادزم : بطور خلاصه خطوط اساسی نظرات گذشته ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه عبارت بود از : الف : شکل بندی اجتماعی - اقتصادی ترکیه نیمه فئودال نیمه مستعمره است . تفاد فئودالیسم با خلق چگون ساختارهای دیگر را تحت الشعاع قرار داده ، ضاعده است . ب : مرحله فعلی انقلاب ما انقلاب دمکراتیک خلق است . در کشورهای نظیر کشور ما ، مبارزه علیه فئودالیسم از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نبوده و به هم مربوطند . اساسی ترین مسئله انقلاب خلق ، انقلاب ارضی است . برای این منظور باید تحت رهبری پرولتاریا و با همکاری دهقانان فقیر و متوسط در مناطق وسیع دست به مبارزه مسلحانه زده و در آن مناطق نواحی آزاد شده تشکیل داد و در جنگ دراز مدت این نواحی آزاد شده را وسعت داد . به شهرها حمله ور شد . در با یسان با تصرف شهرهای بزرگ در سطح کشور قدرت سیاسی را به دست آورد .

در ترکیه محتوای طبقاتی جنبه ضد فئودالی و ضد امپریالیستی با محتوای طبقاتی جنبه ضد فاشیستی یکی است . ج : در شام کشورها و در ترکیه شرایط معنی انقلاب به بهترین وجهی وجود دارد . در اتحاد شوروی و اروپای شرقی بعد از سرنگ استالین بار دیگر قدرت بدست بورژوازی افتاده است و در شوروی روزهیونیسمدن به وسوسال امپریالیسم تبدیل شده است . امروز در جهان رهبری چریکسان روزهیونیسمدن بدست وسوسال امپریالیسم روس هدایت میشود . د : انقلاب کمالیستها ، انقلاب بورژوازی جاری بزرگ فئودالها ، دلالتها و به مقدار تاریخی بورژوازی صنعتی بود . در این انقلاب خرد بورژوازی که دارای خصلت ملی است نه به عنوان نیروی رهبری بلکه به عنوان دنباله رو جریان دخالت داشت . پارلمان ترکیه از آغاز تا بحال به عنوان نقاب دیکتاتوری فاشیستی فئودالها و بورژوازی کمبیرا دور قرار گرفته است . حزب کمونیست ترکیه تا موقعیکه تحت رهبری صبیق قرار داشت ، حزب کمونیست لنینی بود ، اما بعد از قتل نا جوانمردانه صبیق ، روزهیونیسمتها رهبری حزب را بدست گرفتند . خلق حنوسعدت سیال رهبری حزب

مبلغین ثنوری روزهیونیسستی "سه جهان" در ترکیه ، شاه ایران را مستقل و ملی میدانستند !

چین را دنبال میکردند . اما در یک چنین مرحله بحرانسی تحت لوای کار آرام سیاسی در حقیقت از همان کار سیاسی نیز شانه خالی میکردند . گروهی در درون PDA که بعد از قیام ۱۶ - ۱۵ زوئن شکل گرفته بودند در مقابل سیاستهای ایدئوتیستی راست رهبری PDA مقاومت کردند . گروه جدید مخالف مبارزه علنی بوده و عقیده داشت که تجربه ۱۶ - ۱۵ زوئن هرگونه فعالیت علنی و فرمسنسی را نافی میکند . مبارزه ایدئولوژیک در درون PDA تا دوسال ادامه یافت تا اینکه شکل جدید تحت رهبری ابراهیم کامیابا کا از (PDA) اشتعاب و تحت نام ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ترکیه (و با حزب کمونیست ترکیه م . ل) وارد میدان عمل گردیدند .

در این قسمت از مقاله بررسی خط منی گذشته و حال ارتش آزادیبخش کارگران و دهقانان ، ارتش

(PDA) با تکیه بر ایدئوتیسم راست هم اکنون به سمت سیاستهای ضد انقلابی پیش میرود و هنوز تشکیل علنی خود را حفظ کرده و بطور مستقیم مبلغ تر روزهیونیسستی " سه جهان " در سطح ترکیه است . PDA دست به ایجاد حزب منی " کارگران و دهقانان ترکیه " زد است . شعار فعلی و عمده جنبش را ایجاد " ترکیه مستقل " آمریکا نه روسیه ، ترکیه مستقل " (همجیون سازمان انقلابی و . . . که شمار معده اش میباید) می دانند . برای ایجاد یک چنین استقلال حاضر به وحدت با جناحهایی از وابستگان به امپریالیستها هستند ! و اینها را به ویژه با " ثنوری سه جهان " شورسزه کرده و بی کمرواست آتسرا پیساده میکنند . اینان شاه ایران را مستقل و ملی میدانستند . از سفر شاه در سال ۷۵ به ترکیه دفاع کردند و آنرا گامی در جهت وحدت کشورهای جهان سوم و فسرر به ای به ایزد رتضا نمایانند . آنان به هیچ وجه از انقلاب حزبی نمیزینند . (بازم همچون سازمان انقلابی و دیگر هم نظران وی)

بلشویک‌ها و مسئله شرکت در مجالس

دوم انقلاب تکست خورده و شرایط "مقننه" انقلابی رو با فوول می رود .

سوم بالنتی که اعتدالی انقلابی وجود دارد و توده‌ها برای مبارزه قطعی با غد انقلاب آماده می گردند دور - نمای انقلاب نزدیک است .

بلشویکها در تاریخ مبارزات خود بر علییه تزاریسم ، تحريم در حالت اول قاطعانه عملی می کردند . زیرا در چنین شرایطی که توده‌ها بیتر از هر زمان دیگر به راه انقلاب روی آورده اند ، شرکت در پارلمانی که هدف دشمنان توده‌ها از آن کشادن خلق به راه " مشروطه " است ، کاملاً نادرستی می یابد . هدف دشمن از تشکیل پارلمان در چنان شرایطی نجات خود و تسکین دادن انقلاب و سپس سرکوب خلق است و بهمین لحاظ هرگونه شرکتی در واقع افتادن در دام دشمن است در چنین حالتی تاکنیک کمونیستی باپستی توری باید که بیش از پیش حفاظت انقلاب را به مثابه تشهاره نجات توده‌ها برسته تر سازد و اینجاست که تحريم به عنوان تنها راه اولی و انقلابی تلقی می گردد :

" ... تجربه دوما بولگینی (و) نشان داد که تحريم یگانه تاکنیک درستی بود که حوادث آبرائنا تأیید کرد (لنین جلددهم ص ۲۷ ، چاپ روسی) . این تحريم از آخرو موفقیت بخش بود که مردم را نه تنها از خطر راه مشروطه تزاری بر حذر نمود ، بلکه دوما را پیش از تولد مقیم ساخت . کامیابی تحريم برای آن بود که در موقع معمود پرواز فزون انقلاب به موقع اجرا گذاشته شده در موقع نزل انقلاب و تکلیف آن همسین معمود بود . چونکه دوما را تنها در شرایط معمود انقلاب ممکن بود مقیم ساخت (تاکید از ماست ، ص ۱۲۲ ، همانجا)

تحریم فعال

اما زمانی که تحريم مجالس مقننه فوق الذکر در دستور قرار می گیرد ، باز کمونیست‌ها صرفاً به تحريم غیر فعال و " امتناع ساده" اکتفا نمی کنند (روشی که برخی از مارکسیست - لنینیستها در حال حاضر اتخاذ کرده اند) بلکه این تحريم نیز در رابطه با منافع زحمتکشان قرار دارد . در اینجا نیز تقویت و همراهی هرچه بیشتر توده‌ها به پا خاسته که در جاده انقلاب گام برمی دارند مطرح است ، در اینجا نیز تحريم بیدان خاطر صورت می گیرد که از ایجاد هرنوع توهم و شامیل به راه " قانونی " و " مشروطه " جلوگیری میشود - چیزی که نهایت آرزوی هیئت حاکمه و طبقات مرفه - اجتماع است - و توده‌ها بیش از پیش در راه روش انقلاب می به پیش روند .

در این رابطه در تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین می خوانیم : " ... بلشویک‌ها می بایستی مسئله شرکت با تحريم دوما دوم را حل کنند . بلشویکها وقتی درباره تحريم سخن می راندند معمولاً منظورشان تحريم مؤثر بود نه امتناع ساده منفی از شرکت در انتخابات . بلشویکها تحريم مؤثر را بمنزله آن وسیله انقلابی می نگریستند که ملت را از نیت تزار که می خواست وی را از راه انقلابی براه " مشروطه " تزاری درآورد بر حذر نگاه می دارد و نیز این تحريم را به منزله وسیله خشن نمودن چنین نیتی و سفاکرت هموم تازم ملت سر قد تزاریسم می دانستند . " ص ۱۲۴ همانجا .

در حالت دوم : از نظر اولی شرکت در پارلمان اشکالی ندارد ، زیرا که توده‌ها در مقابل فریسات ارتجاع در حال عقب نشینی هستند ، و در چنین شرایطی استفاده از هر تریبون برای سخن گفتن می توانست بیش از پیش در خدمت آنان قرار گیرد . بلشویکها در سال ۱۹۰۶ دوما اول (ویته) را تحريم کردند ، اما بعداً در انتقاد به این تحريم چنین مطرح کردند که :

(و) دومای شوروی بولگین در اکتبر ۱۹۰۵ از جانب تزار برای فریب خلق وعده داده شد .

اطلاعیه

بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که بخاطر پیشبرد هدفهای خود از شرکت در انتخابات " مجلس خیرگان " که همانا افتای این " مجلس " و شکستن توهم توده‌ها نسبت به آن و افتای ما به تزاریم حاکم میباشد ، از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق پشتیبانی نمیشیم . این پشتیبانی ، علاوه بر ضرورت فوق ، همچنین می تواند جنبش چپ را در برابر حملات و تشاجمات تفرقه افکنانه دولت وانحمارطلبان ، نزول یک عمل مشترک ، انجام و استحکام بخش و جهتدهی مگر اتساع انقلابی را در برابر بورژوازی حاکم تقویت نماید . از این رو ، این پشتیبانی را ، که حداقل همکاری نیروهای چپ در این زمینه است ، وظیفه خود دانستیم . ضمن اینکه از کلیه هواداران خود میخواهیم اکتفا ننمایند - های سازمان چریکهای فدائی خلق حمایت و پشتیبانی نمایند ، از تمام نیروهای مبارز و دموکرات و چپ خواستاریم که از کاندیداهای انقلابیون دموکرات و مارکسیست لنینیست ، پشتیبانی نمایند .

روندگان آزادی طبقه کارگر
مبارزین آزادی خلق ایران
اتحادیه رزده در آلمان طبقه کارگر
پیسوند
سازمان پیکار در آلمان آزادی طبقه کارگر

" ... تحريم دومای ویته هر چند دوما را خیلی آرامتبار انداخت و اطمینان قسمتی از اهالی را نسبت به دوما ست نمود ، با وجود این نتوانست دوما را مقیم سازد زیرا این تحريم چنانکه اکنون واضح گردید در شرایط نزل و اسطاط انقلاب منبلی شده بود ، از این رو تحريم دوما اول در سال ۱۹۰۶ موفقیت بخش نبود . " اما در حالت سوم : زمانی که اعتدالی انقلابی وجود دارد و در زمانی انقلاب نیز نزدیک است ، باپستی با مسئله شرکت در مجالس بطور مشروط برخورد کرد . آنچه در اینجا باید معیار و ملاک اصلی تحريم با شرکت قرار گیرد میزان آگاهی توده‌ها و اینکه آنها تا چه اندازه در تحريم خود توانسته اند به انقلاب معتقد باشند و از توهم درباره حکومت بفر آمده و نسبت به راه و روشی که یافته اند ... در چنین شرایطی هم امکان شرکت و هم امکان تحريم هردو وجود دارد . زمانی که طوفان انقلاب آنچنان نزدیک است و آگاهی توده‌ها در حدی است که آماده انقلاب اند شرکت در پارلمان نامصحیح است و بالمکن زمانی که هنوز اکثریت توده‌ها در مورد آنچه باید بکنند تردید دارند میتوان از تریبون مجالس نیز برای تربیت توده‌ها استفاده نمود .

در پیش نویس قطعنامه های پیشنهادی بلشویکها برای طرح در کنفره پنجم حزب چینی آمده است : این کنفرانس اعلام میدارد که :
۱ - بحران اقتصادی ای که در پیش چشم ما انکشاف می یابد ، یک بحران مشروطه خواهی نیست ، بلکه یک بحران انقلابی است که به پیکار مستقیم توده‌های پرولتری و دفاعی علیه استبداد می انجامد .

۲ - بنابراین مبارزه انتخاباتی برای دومائی که در پیش داریم صرفاً می بایست به عنوان حلقه ای در رجبر مبارزه انقلابی خلق برای قدرت تلقی شود . و به ایس عنوان مورد بهره برداری قرار گیرد . اینجا بلشویکها علیه فرم جنم انداز رو به سودی که از انقلاب آید می بینند ، با توجه به مجموعه شرایط در این مجلس شرکت میکنند . (البته باپستی توجه کرد که بعداً پیش بینی بلشویکها از روند اوضاع آسی - درست از آب درآمد) .

در رابطه با " مجلس خیرگان " و شرکت با عدم شرکت در آن ، منطقه نظرات متفاوتی در بین نیروهای مارکسیست - لنینیست و دموکرات وجود دارد . بخشی از این نیروها شرکت در " مجلس خیرگان " را جایز می دانند و برخی آنرا تحريم می نمایند . ما در اطلاعیه " چرا در انتخابات مجلس خیرگان شرکت میکنیم " همراه با گروههای دیگر تا کنون حدی چرایی شرکت خود را در این مجلس متذکر شده ایم در اینجا برای روشن شدن گوشه دیگری از این موضوع ما به تاکنیک و نحوه برخورد بلشویکها به مجلس دوما (و کلاً مجالس دولتی) اشاره میکنیم . قبلاً لازم به یادآوری میدانیم که :

الف : هدف بلشویکها از شرکت در دوما و با تحريم آن در سال های ۱۹۰۵ به بعد افتاوری و استفاده از تریبون ارتجاع برای تربیت توده‌هاست . در حالیکه در سال ۱۹۱۷ از آنجا که قدرت سیاسی تقسیم شده است هدف تشبیه این قدرت سیاسی است . (باپستی توجه کرد که بلشویکها در سال ۱۹۱۷ در عین حال که تشکیل مجلس مؤسسان را تبلیغ میکردند ... تنها بنگاه پیش از انقلاب اکثریت بود که امکان یافتند در آن شرکت کنند . ولی هدف اصلی این اتحاد به تاکنیک خویش از آنجا بیرون آمدن زیرا که انقلاب نزدیک بود !)

ب : موضوع دوم اینکه ما هیئت دولت هرچه باشد ، نمی تواند ملاک شرکت با تحريم در مجالس مقننه قرار گیرد . میتوان و باید هرگاه لازم شد در ارتجاعی ترین مجالس نیز حضور یافت . بطور مثال بلشویکها با اتحاد تاکنیک درستی در دومای دولتی (دومای دوم تزاری) شرکت می کنند . بدون اینکه لحظه ای اهمیت ارتجاعی سسوار را فراموش کرده باشند .

تحريم با شرکت در هرنوع پارلمان ارتجاعی و بورژوازی با دو مشخصه اساسی ممیز می گردد :

اول اینکه شرکت در چنین مجالس ، بخاطر چانه زدن با دشمنان پرولتاریا در تصویب این یا آن قانون نیست ، بخاطر ایجاد محدودیت برای دشمنان پرولتاریا هم نیست ، ... بلکه مسئله این است که اگر شرکت در چنین مجالس لازم شود (در مورد شرایط جایز نبودن شرکت بصورت مثبت خوانیم) هدف افتای ما هیئت این مجالس ، و مبارزه بر علیه تشکیل دهندگان آن بخاطر آوردن توده‌ها از توهم موجود نسبت به هیئت حاکمه ، بطور جلب متحدین پرولتاریا بصورت تاکنیک انقلابی و بخاطر نشان دادن بیهودگی راه " مشروطه " و در مقابل نمایان شدن حقیقت تنها راه پروری یعنی انقلاب است . در این باره در تاریخ حزب بلشویک اتحاد شوروی چنین می خوانیم :

" ... ولی رفتن بلشویکها به دوما برای آن نبود که در آنجا با کادتها همدست شده و در پیگردوما به کارهای " قانون گذاری " سرگرم شوند . چنانکه بلشویکها همینطور رفتار می کردند ، بلکه بلشویکها برای آن رفتند که از دوما به عنوان کرسی خطابه برای منافع انقلاب استفاده نمایند " ص ۱۲۶

همینطور لنین می گوید : " تاریخ ثابت نموده که در موقع انعقاد دوما امکان تسلیماتی مفیدی از درون و در سپر مردم دوما حاصل می شود و نیز اینکه تاکنیک نزدیک شدن با دهقانان سر فد کادتها در داخله دوما امکان پذیری می گردد ... و در همین رابطه در انتقاد به موقع بورژوازی بلشویکها چنین آمده است :

" برکنس ، کمیته مرکزی بلشویکها به دوما مانند آن مؤسسه قانونگذاری که می تواند حکومت تزار را لجام زدن بگریسته و دعوت می کرد که با کاندتها سازش انتخاباتی بنماید و از آنها در دوما پشتیبانی بعمل آید " ص ۱۲۶ .

مسئله دوم - این است که این تحريم با شرکت در چه شرایطی از اوضاع و احوال سیاسی جامعه صورت می گیرد . در این رابطه به حالتی می توان وجود داشته باشد :

اول توده‌ها در حال انقلاب بر علیه سیستم ارتجاعی هستند و هر روز فریبات جدیدی بر دشمن وارد می سازند .

هیئت حاکمه قول و قرارهای خود را در مورد تشکیل مجلس مؤسسان زیر پا گذاشته است

برای بررسی موقعیت خرده بورژوازی سنتی در انقلاب طبقاتی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی و وضعیت فکری و ایدئولوژیک آنرا مورد توجه قرار دهیم. موقعیت اجتماعی، ناپیکبری، تزلزل و محافظه کاری و غفلت سازشکارانه و... خصوصاً تحت تسلط خرده بورژوازی بعنوان یک طبقه اجتماعی واجد آشنخت و همین خصوصیات در شرایط و مقاطع مختلفی از پروسه رشد و حرکت انقلاب در موضع گیری این طبقه و ناسازگاری سیاسی - فکری اش جلوه های بارزتری می باید. اگر خرده بورژوازی در شماست خود در انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی تا درجه ای غفلت دموکراتیک و خرد امپریالیستی دارد. متغایلاً این آمادگی را نیز دارد که با ناپیکبری و محافظه کاری و تزلزل، بویژه در شرایط فقدان شکل پروتئاریا تحت رهبری ستاد رزمندگان (حزب طبقه کارگر)، به انقلاب پشت کرده و خواهان توقف انقلاب و سازش با دشمن شود. مع الوصف غفلت دمکراتیک و خرد امپریالیستی و نیز سازشکاری و محافظه کاری اقشار مختلف خرده بورژوازی، میزان ناپیکبری و ناپیکبری این اقشار در مبارزه بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها دارای اختلافات روشن و قابل تشخیص است.

خرده بورژوازی مرفه (بخصوص در اینجا بخش سنتی آن) بخشی از کل خرده بورژوازی است که از دیگر اقشار خرده بورژوازی ناپیکبرتر، تزلزل تر و سازشکار تر است. که این امر چه به لحاظ موقعیت اقتصادی - اجتماعی اش که شانه به شانه لایه های پایینی

به امپریالیسم و در پیوند سیر انحلال سرمایه اشد و سرمایه های امپریالیستی امکان پذیر خواهد بود. البته محتفل است، با ترسیم "تعدیل و اصلاح" سیستم سرمایه - داری وابسته توسط دولت بورژوازی حاکم و در جریان رشد سیاسی طبقاتی، فعالیت سرمایه های امپریالیستی - لایه های باثینی بورژوازی لیبرال تحت تاثیر جریان پلازیسیون و فشارهای سیاسی اقتصادی از جرگه جبهه ضد انقلاب خارج شده و در موضع پلازیسیون قرار گیرد. اما باید توجه داشت که موضع گیری کنونی جناحی از بورژوازی لیبرال از جمله "جبهه ملی" و حالنت ظاهراً اعتراضی و "اپوزیسیون" آن نسبت به دولت، نه در مخالفت با سیاستهای سازشکارانه و خمیمه وگرایش کمپرادوریتی دولت بلکه اساساً در مقابل تمامیت اعمال سیاستهای خرده بورژوازی ترشیک در قدرت است که با اقدامات و قدرت طلبی اش عمره را برای دستیابی تمامی قدرت برای بورژوازی با مشکلات روبرو می ساخته است. بورژوازی لیبرال که در حال حاضر جناحی از آن در اختلاف با خرده بورژوازی مرفه و بورژوازی کمپرادور پیشین قدرت سیاسی را در دست دارد، با خفندست با پیشرفت انقلاب و خواستهای دمکراتیک توده های انقلابی روی به جانب امپریالیسم و بویژه از کمپرادور داشته و رشد خود را در گرو سازش و وابستگی به امپریالیسم و مقابله با رادیکالیسم جنبش خلق میباید.

از این رومفون سیاستهای بورژوازی حاکم را خمیمه و گرایش به کمپرادوریم تشکیل میدهد و به این ترتیب قدرت دولتی موجود خلق می و سیاستهای آتی خود را بر محور وابستگی ایران به امپریالیسم و بر پایه اختلاف با بورژوازی کمپرادور بی برزی کرده است. نگاهی به

**بورژوازی لیبرال روی بجانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته داشته،
و رشد خود را در گرو وابستگی به امپریالیسم و مقابله با رادیکالیسم جنبش خلق میباید.**

بورژوازی لیبرال میباید و چه از لحاظ فکری - سیاسی که نسبت به دیگر اقشار خرده بورژوازی مواضع غلب ما نه تر و ترجیحی ای داراست قابل توجه است. خرده بورژوازی مرفه سنتی در این لحظه از حیات تاریخی جامعه ما به دلیل اینکه مبارزات انقلابی توده ها طی دوره اخیر تحت رهبری خرده بورژوازی بود و از قیام با سلفرازی بخش از خرده بورژوازی طی پلازیسیون نیروها و پروسه بگانه شدن قدرت دوگانه خرده بورژوازی (شورای انقلاب، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و...) و قدرت دولتی بورژوازی توانست پیش از پیش قدرت خود را بر ارگانهای قدرت بیا فزاید و با منزوی نمودن و تخفیف نمایندگانی سیاسی - فکری اقشار میانی و باثینی خرده بورژوازی از ارگانهای قدرت خرده بورژوازی بر این ارگانهای قدرت، سلطه کامل یافته و سیاستها و برنامه ها و ضابطات انحمارطلبانه اش را بر سایر اقشار و طبقات خلقی - تحمیل نماید. از سوی دیگر طی همین پروسه، خرده بورژوازی مرفه سنتی با ایجاد شکل های سیاسی تحت هژمونی خود (حزب جمهوری اسلامی و...) و نیز سپاه پاسداران و کسب حمایت مداوم از سوی امام خمینی و از اینطرف جلب حمایت توده های وسیع خرده بورژوازی میانه و باثینی و حتی دهقانان و اقشاری از پروتلاریا بسا استفاده از ضعف آگاهی و شکل آنها توانست در ائتلاف و اتحاد عمل با دولت بورژوازی قدرت قابل توجهی بیاید.

- (۱) - کلمه سرمایه دارانی که سرمایه از ایران خارج کرده اند، در صورت بازگرداندن سرمایه، اجازه فعالیت آزاد در ایران را خواهند داشت. از این نظر تضمین جانی و مالی آنها معده من (۲) خواهد بود.
- (۲) مولوی رئیس بانک مرکزی ایران، کسبان ۱۵ اردیبهشت (۲) - اردلان وزیر امور اقتصادی و دارایی، در بیگ ماهمه مطبوعاتی در روز ۵ اسفند اعلام داشت: "در حال حاضر محتوای سیاست اقتصادی کشور تفاوتی نخواهد کرد... روالی که ما داریم همان برنامه های گذشته است، تا وقتیکه بتوانیم قدری اوضاع را منظم کنیم. در مورد تجارت خارجی قطعاً تغییراتی (۲) داده خواهد شد. ولی محتوای سیاست اقتصادی در حال حاضر فرقی نمیکند." (اطلاعات اسفند)
- (۳) - قرارداد ایران و کورپ که خرید بخشی از سهام آن در دوران رژیم پیشین بخاطر جلوگیری از ورشکستگی این انحمار مطیع منمنی آلمان صورت گرفت، هنوز لغو نشده است. (کسبان دوشنبه ۱۵ اردیبهشت)

اقدامات و برنامه های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی ارائه شده توسط دولت موقت پس از قیام، گویای این مدعا است. هر چند که در اجرای این برنامه ها در اکثر فشار جنبش توده ای و تضابطات و اقدامات خرده بورژوازی با مشکلاتی روبرو شده و ناچار از رفرمهای شده است. بعنوان مثال: طرح خرید سهام سرمایه داران - بزرگ وابسته و امپریالیستی و دولتی کردن بانکها و برخی منابع میخوان نام برد. سفرهای مولوی رئیس بانک مرکزی مین بر فرا خواندن سرمایه های فراری (۱) سخنان و اطلاعاتی مکرر وزیر کشاورزی در مورد مسئله ارضی، اعلان جنگ به دهقانان، بر نامه اقتصادی ارائه شده توسط اردلان وزیر اقتصاد (۲) حفظ قراردادهای امارت بار اقتصاد نظیر قراردادهای ایران و کورپ و اینکه سرمایه به - گذارها (۳) با قیام شدن قراردادهای ویمپانهای نظامی و سیاسی و اقتصادی متعدد با امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا... همه گوشه های از اقدامات و برنامه های دولت موقت در این زمینه است.

**خرده بورژوازی
مرفه (بخش سنتی)**

این بخش از خرده بورژوازی در شرایط فعلی و در این مقطع از مرحله انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی جامعه ما دارای موقعیت ویژه است که چونگی برخوردار به آن بهمین دلیل نیز مهمتر است. از این رو سعی میکنیم بطور مشروح تری به بررسی موضع این قشر - بپردازیم.

**نابودی کامل رژیم سرمایه داری وابسته
به امپریالیسم میسر نخواهد شد مگر
با دستیابی کامل نیروهای خلق به تمامی
قدرت سیاسی، برهبری پروتلاریا**

ادامه از صفحه اول آرایش...
دائمه تحول انقلابی در سیاست (روستا) را به تحول بنیادی دگرگونی در مناسبات طبقاتی و ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه بگشاندند.
بسیار دیگر تحول سیاسی حافره ها منطور که قبلاً با آتور شدم تنها به سرنگونی رژیم مزدور سلطنتی و وارد آمدن فزایات کاری بر پیکر سرمایه داری وابسته (بویژه سرمایه داری کمپرادور بوروکرات) انجام میدونه نامودی کامل قدرت سیاسی و لاجرم قدرت اقتصادی آن، و نیز منجر به ایجاد دولت بورژوازی، از اختلاف بورژوازی مرفه و بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات شد. از این رو در تداوم مرحله انقلاب دمکراتیک و خرد امپریالیستی، مسئله وابستگی، همچنان مسئله اصلی و محوری ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه بوده و تا د اعلی آن همچنان فساد میان خلق و امپریالیسم میباشد. اما همانطور که قبلاً نیز مذکور شد تحت تاثیر همین تحول سیاسی، آرایش نیروهای اجتماعی دستخوش تغییر شده و پایه اجتماعی فساد در این مرحله از انقلاب نسبت به گذشته تغییر کرده است، این تغییرات را مورد ارزیابی قرار میدهم:

**۱- بخش بوروکرات
بورژوازی کمپرادور:**

این بخش از نظر کمیت جز کوچکتر اما قدرتمند طبقه پیشین ایران را تشکیل میدهد اما حیا نمده انحصارات مالی و منمنی وابسته، عمده زمینداران بزرگ و بخش اعظم بورژوازی بوروکراتیک یعنی رؤسا و مدیران عالی مؤسسات دولتی، مالی و نظامی، دلالان و جاسوسان امپریالیسم در ارگانهای مختلف دولتی را که مستقیماً وابسته به پادشاه بودند، در بر میگرفت. که قدرت اصلی را در هیئت حاکمه ایران و دولت در دست داشتند. در اثر قیام شکوهنم بهمین ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی و بیامدهای آن، این بخش از بورژوازی وابسته چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی، فزایات مرکباری را متحمل گردید و قدرت آن نابود گشت. اعداها و تطبیقهای که در بخشهای مختلف ماشین دولتی از اولین روزهای پس از قیام تا کنون، صورت گرفته است عمدتاً نمایندگان این بخش را در بر میگردد (اعدام هویدا، نیمی، فرماندهان و مهره های اصلی ارتش مزدور شاه، وزیران کابینه و...).

**۲- بورژوازی کمپرادور
غیر بوروکرات**

این بورژوازی که بخش مغلوب هیئت حاکمه پیشین را تشکیل میدهد شامل سرمایه داران بزرگ عمومی وابسته در رشته های گوناگون صنعت، تجارت، کشاورزی، خدمات و... بود که در عین حال به نحو عمیقی به بخش غالب هیئت حاکمه پیشین یعنی بورژوازی کمپرادور بوروکراتیک چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی پیوند خورده بودند. فزایات که از سوی انقلاب دریافت کرده است، در قدرت سیاسی جدید نیز سهم شده و امکان یافته است در زمینه اقتصادی تا حدود زیادی قدرت خود را حفظ کند که علت آنهم، با توجه به اهمیت و ترکیب طبقاتی قدرت دولتی جدید و گرایش عمومی و غالب سیاستهای دولت در زمینه حفظ و ترمیم ساخت اقتصادی - اجتماعی گذشته (همراه با اصلاحات و تعدیلات سطحی)، کاملاً روشن و قابل توضیح است. و همین امکان حضور اقتصادی، متغایلاً خود پایه قدرت سیاسی و ترمیم سیاسی این بخش از بورژوازی کمپرادور را در ماشین دولتی تشکیل میدهد و از این رو می تواند چشم انداز مساعدی را برای بقا و رشد آتی آن ترسیم نماید.

**۳- بورژوازی متوسط
غیر وابسته (لیبرال)**

این بخش از بورژوازی که در گذشته تحت فشار سرمایه های امپریالیستی و وابسته قرار داشت و تقریباً امکان رشد و توسعه سرمایه اش از او سلب شده بود پس از تحول سیاسی اخیر، چنانچه دولت بورژوازی حاکم بنوا ندر برحرا ن سیاسی - اقتصادی موجود غلبه کند (۲) - چشم انداز روشنی را برای رشد خود میبندد، که بطور عمده در چهارچوب رشد آزاد سرمایه، بلکه در چهارچوب وابستگی

خلق کرد میرزهد ، دولت موقت توطنه میکند

بدون و دور از منزل و مسکن برای آنان در بر دارد ، از آنجا که ماهیت چنین ارتشی را در حرکت های قبلیش در نقاط مختلف ایران و سرکوب خواهران و برادران خود را در این مناطق دیده اند ، چنین زندگی ای را بر سر ماندن در شهری که تحت اشغال ارتش باشد ترجیح داده اند .

اما ماهیت این ارتش چیست که توده های مردم میروان در مقابل آن دست به این چنین حرکت اعتراضی مشکلی زده اند و اشغال کردستان بوسیله این ارتش چه عواقبی دارد ؟

در اینجا اعلامیه پس از اشکالی مختصری نسبت به ماهیت ارتش ، به نقش حزب دموکرات کردستان میپردازد ، اعلامیه میگوید :

اما در این میان حزب دموکرات کردستان چه موضعی گرفته است ؟ حزب دموکرات دشتی به اطاعت و چشم پوشی دست دولت است و متردد اینست که خلق کرد و چشم پوشی انقلابی آنرا به قیمت مناسی به دولت بفرستد . چنانچه دولت موقت بهای مورد نظر راه این حزب بپردازد ، حزب دموکرات توده ها را تسلیم دولت نموده ، در مقابلش توطئه اشغال مهاباد به وسیله ارتش سکوت کرده و بسا

دفعات و مردم شمدیده آنجا می اندازد . بازم روز بعد خبر از پشروی ارتش جمهوری اسلامی به دست مهاباد با هدف اشغال نظامی آنجا میبرد و امروز ... امروز ارتش فد خلقی با تهدید ثورا و مردم شهر میروان مبتنی بر تقویت نیروهای با دگان آنجا و کنترل شهر وسیله نظامیان ، مردم زحمتکش و رنج دیده میروان را وادار به تخلیه شهر و راه رندن در کوچه ها و جنگلها نموده است . مردم مبارز کردستان ! هوشان مبارز !

دولت فد انقلابی امروز دارد یکی از حلقه های زنجیر توطئه های خود را در میروان پیاده میکند ، پس از اینکه توطئه با سادار سازی اثر در این شهر با جواب دندان شکن و قاطعانه توده های خود را در مقابل مبارز اتحادیه دهقانی میروان در هم شکست ، به فکر تقویت با دگان مستقر در این شهر افتاده است . اخباری مبتنی بر حمله با دگان به شهر پس از تقویت آن به گوش می رسد . به همین دلیل مردم متحد و مبارز شهر را به عنوان یک حرکت افشاگرانه و در ضمن اعتراضی ، ترک گفته و به منظره ای بین " برده رسته " و " کاشی میران " پناه برده اند و هم اکنون شهر از سکنه خالی است . این مردم رنج دیده علیرغم تمام مغایرتی که زندگی خانه -

اعلامیه ای که توسط کمیته کردستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ، تحت عنوان " خلق کرد می - زهد ، دولت موقت توطنه میکند " چنین آغاز میشود :

موادش که این روزها در پی در کردستان اتفاق می افتد خبر از توطئه ها می دهد که از طرف امیربسا - لیسیم و ارتجاع داخلی وابسته به آن برعلیه خلق فخرمان کرد در طرف تکوین است . در حقیقت این آتش - انفروزی ها به همراه تحریکات مداوم رادیو تلویزیون پیش درآمد و مقدمات این توطئه را تشکیل میدهد . یک روز فرید رئیس ستاد وقت ارتش دست به توطئه آمیز به کردستان میزند و در پی این مرفوقل همکاری و پشتیبانی به دارنده توطئه دولت امیربسا - لیسیم از آمریکا می دهد مشروط به اینکه این دارنده توطئه به اصلاح امنیت در منطقه کردستان به نفع دولت " انقلابی " !! برقرار نماید . روز دیگر ملاصتی مرتجع رئیس کمیته ایالاتی ارومیه با مسلح کردن فئودالیهای مرتجع پیرانشهر و آشوبه فرمان غارت روستا شیبان و توده های کرد را به آنجا می دهد . روز بعد ارتجاع با متحد کردن عناصر قبیله موقت با راهی از عناصر لومین و شوروی و مسلح کردن آنها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میروان سرهم بندی کرده و به جسان



نقدی بر " طرح خود مختاری کردستان " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان

از اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه ... مقامات مرتجع و ضد خلقی کمیته های استان در ارومیه ... در جریان جنگ تحمیلی نفقه " (ص ۹) اعلام داشته و رهاخته بدین نتیجه می رسد که " همه این تحولات و تجربیات سه مسئله را برای خلق کرد مطرح می کند :

- ۱- اصرار در پیوند مبارزاتی هر چه محکمتر زحمتکشان کرد و زحمتکشان سراسر ایران جهت جبهه واحد ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی با شرکت همه نیروهای آزادیخواه و ملی و دمکرات در سراسر ایران .
- ۲- اصرار در ایجاد حکومت خود مختار کردستان .
- ۳- بدون یک مبارزه مداوم داخلی و ترقی خواهانه و ضد ارتجاعی در کردستان و بدون مشارکت فعال توده های زحمتکش مردم کورد جنبه ناسیونالیستی رفع ستم ملی از محتوای دمکراتیک محروم خواهد ماند " (ص ۱۰) که راه حل ملی و ملی این سه مسئله را در ارائه یک " طرح پیشنهادی خود - مختاری " (ص ۱۱) که در رابطه با " تکامل و رشد مبارزات انقلابی و آزاد بخوانانه خلق کرد و دیگر خلقهای ایران مقدور و ممکن می باشد " می داند و " امیدوار است که با همکاری و مشارکت همه نیروهای آزادیخواه و دمکراتیک خلق کرد و سایر خلقهای ایران بتواند در راه تحقق آن مبارزه کند و آنگاه پشورسانند " و با توجه به " باید " های که پشت سر هم آمده ، چنین بر می آید که این سیستم حکومتی فعلی است که در نهایت امر چنین طرحی را قبول کرده و عملی خواهد ساخت .

تا اینجا آنچه می بود که ما از پیشگفتار جزوه نقل کردیم اینک بپذیریم دوستان کرد ما تا چه اندازه " مطلب مورد ادعا " را بر آورده ساخته اند .

شناخت درد

تنها نصف مسئله را حل میکند

بررسی پیشگفتار جزوه ما را با این واقعیت روبرو می سازد که " نویسندگان طرح " در برخورد با مسائل و معضلات کردستان درد را شناخته اند . یعنی در بسیاری جاها این را نشان داده اند که در کردستان چه می گذرد ، چه جریاناتی در حال شکل گرفتن هست چه کسانی و چه نیروهایی از خواستهای ملی خلق کرد سو استفاده کرده و امیال و اهداف ارتجاعی خود را در پوشش آن دنبال می کنند . ارتباط این نیروها با هم و با سیستم حکومتی فعلی و عملکرد های آن در کردستان چیست . خواستها و نیازهای واقعی خلق کرد چه بوده و پاسخ به این خواستها و رفع نیازها چگونه باید باشد و طرحی که شورای هماهنگی پیشنهاد کرده با توجه به محتوا و اصولی که در خود دارد ، نمونه کامل و جامعی است که در رابطه با نیازهای این مرحله از مبارزات خلق

شورای هماهنگی جمعیت های کردستان با انتشار جزوه ای ، اقدام به ارائه طرح خود مختاری از " دیدگاه " خود در سطح جنبش نموده است و آنطور که در جزوه آمده این طرح حاصل یک " تحلیل علمی از اوضاع کلی ایران و با در نظر گرفتن شرایط عینی و ذهنی جامعه کردستان و با توجه به ترکیب طبقاتی و توازن و تضاد نیروهای موجود در این سرزمین و با الهام از آرزوها و اهداف و مبارزات و حقوق تاریخی خلق کرد " (ص ۲۳) می باشد .

با در بررسی این طرح نشان خواهیم داد که دوستان نویسنده این جزوه تا چه حد توانسته اند این ادعا را در عمل نشان دهند .

نگاهی به طرح

پیشگفتار جزوه که در واقع چرایی و چگونگی تدوین طرح را توضیح می دهد ، طعیرم انحرافات و کاستی هایی که دارد و ما در قسمتهای بعدی این نوشته بدان برخورد خواهیم کرد ، ما را با شرایط ویژه ایران یعنی تنوع ملل ساکن در آن ، شرایط زندگی خلق کرد ، ستم و استعماری که در طول زمان های گذشته بر او وارد آمده و در این رابطه " وقته و کرد ... تکامل اقتصادی جامعه کردستان " ، مبارزات خلق کرد برای رهایی از این وضعیت ، شکست های متوالی و ظل آن آشنا ساخته ، نتیجه می گیرد که " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان مبارزه در راه رفع ستم ملی را جدا از مبارزه در راه برقراری عدالت اجتماعی و استقرار دگرگسی واقعی در سراسر ایران نمی دانند . مبارزه با غاصبین حقوق ملی نمی تواند جدا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی کردستان باشد " (ص ۶) سپس در بررسی اوضاع و شرایط کنونی کردستان بر زمینه گذشته آن ، چنین عنوان میکند که " شورای هماهنگی جمعیت های کردستان با نگرانی شاهد احیای عوامل و عناصر ارتجاعی هستند که زیر پوشش مسئله ملی و با دست آویز قرارداد آن می - خواهند پایگاههای ضد مردمی خود را در منطقه حفظ کنند . نمونه بارز آن اتحادیه مالکین و فئودالها است " (ص ۶) .

نقش ارتجاعی " فئاده موقت " را که با " همکاری فئودالی مرتجع منطقه در سراسر کردستان بر علیه توده های زحمتکش و نیروهای ترقی کرد مبارزه می کنند " (ص ۸) نشان داده و بازگویی می کند که اینسان " روز بروز بیشتر مورد حمایت دستگاه های دولتی و ارتش و کمیته های منتسب به انقلاب اسلامی قرار می گیرند تا جایی که هم اکنون با علم و اطلاع و موافقت مقامات مذکور عللا در خاک کردستان ایران پایگاه ایجاد کرده اند " (ص ۸) .

" نگرانی " خود را از اینکه " مقامات مرکزی برجناپا ت و بیزارگی های ارتش ضد مردمی با دگان سندنجد سرپوش گذاشته و در وسایل ارتباط جمعی کنترل شده مبارزین و انقلابیون کرد را ضد انقلابی خوانند " (ص ۸) .

های ایران یعنی مرحله دمکراتیک و ضد امپریالیستی کاملا جوابگو بوده و با عنوان " ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم " در ماده ۶ و " حفظ ثنور ملکت " ، " مهده - داری " سیاست خارجی و " تهیه و تنظیم و اجرای سیاست عمومی اقتصادی و برنامه ریزی دراز مدت ملکتی " توسط دولت مرکزی در مواد ۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ در رأی گیری نیروهای ارتجاعی و تجزیه طلب بسته است . یعنی نویسندگان جزوه توانسته اند تا حدود نسبتا زیادی به داروی موثر بر درد نیز دست یابند . این دید از کجا حاصل شده است ؟ بطور ما در دوستانی که در جمعیت های شهرهای مختلف کردستان برای محو ستم ملی مبارزه می - کردستان بود و ما تمام وجود خویش در جهت تامین منافع توده های زحمتکش کرد میگویند و ایمان در مبارزه و زندگی روزمره سیاسی شان با فقر و محرومیت توده ها ، ستم با ندگی موحش اقتصادی کردستان ، سطح پایین آگاهی سیاسی و فرهنگی خلق کرد ، ظلم و ستمی که فئودالها بر حومه در حق دهقانان روا می دارند ، ستم و استثمار مضاعف ملی که در خلق کرد وارد می شود و .. آشنا شده و در این میان بارها بارها با اقدامات ارتجاعی ، تجزیه طلبانه و واپس گرایانه فئودالها ، قیامه موقت و حزب دمکرات و همچنین همکاری و تالیف دولت در حال این نیروها ی مرتجع برخورد کرده و بی به ماهیت واقعی اهداف و ادعاهای آنها برده اند و از طرف دیگر در بررسی شرایط عینی و ترکیب طبقاتی جامعه کردستان از شیوه ملی بهره گرفته اند . اما آنطور که معروف است شناخت درد فقط نصف مسئله را حل می کند و حل نصف دیگر و به پایان رسا - نیدن مسئله و گرفتن نتیجه عملی از اقدامات خود به مهده انکشاف و مشخص ساختن شرایط و اوضاعی است که تحت آن داروی موثر بر درد میسر شود . شناخت درد تنها وقتی می تواند ارزش واقعی داشته باشد که توام با قسمت دوم باشد یعنی بتواند واقعیت را تغییر دهد ، عمل وجودی درد را برطرف سازد و برنامه ما را عملی کند ، شناخت درد بدون درک و سپس

این گزارش را طرفداران سازمان ازبکستان فرستاده اند

در کیهیلویه و بویر احمد چه میگذرد؟ جناحهای ارتجاعی وحدت خود را در تسویه هواداران مجاهدین از کمیته‌ها می‌بینند اکنون خانها و مرتجعین در راس کمیته‌ها قرار گرفته‌اند

معلمین مبارز و دانش‌آموزان مترقی در اسواک پیرونده دست‌کرده بود. دیگری حاج عبدالخالق عدالتی مسابین آیت‌الله ملک حسینی، هم‌کاره کمیته بوده است. هدایت اعزازی، عدالتی را بازداشت نموده و به شیراز می‌فرستد. طرفداران کمیته که از این عمل برآشفته بودند، گویا هیئت اعزازی را بازداشت نموده و قصد حمله به خانه تاجگردون را که عده‌ای مدعی بودند او هم قبلاً ساواکی بوده می‌کنند و دلیل آن‌ها هم وجود تفنگچی‌های باشتی دریا سوچ بوده که تاجگردون برای محافظت اخذ کرده بود. آیت‌الله ملک حسینی از جمله به‌خانه تاجگردون جلوگیری نموده و با آیت‌الله حمیدزاده در پشت درهای بسته به گفتگویی نشستند. غروب همان روز حمیدزاده برای گفتگویی متخصص به مسجد می‌رود و در مسجد طی یک سخنرانی حساب شده و مفصلی دستور انحلال کمیته و ایجاد سپاه پاسداران را میدهد. وی از محتسبن می‌خواهد که به ضمن خود با بان دهند و قتل می‌دهد که امورات اندازی هم بدست فرد لایقی سپرده خواهد شد.

اما برای خیلی‌ها روشن بود که حمیدزاده و بلک حسینی با یکدیگر قبلاً طرح برنامی در رابطه بودند و مکالمه تلفنی حمیدزاده که در مهمانی با سوچ به دفتر امام یا وزارت کشور صورت می‌گیرد. گویا این طبقیت و کینه بدخو بست می‌باشد. متن مکالمه تلفنی چنین بوده است:
۱- با ملک حسینی به توافق رسیدیم که کمیته منحل و سپاه پاسداران ایجاد گردد.
۲- از این به بعد سعی شود به روحانیت مترقی در منطقه توهین نشود.
۳- حمیدزاده پس از اخذ رضایت استعفا نامه استنادار نتیجه‌گیری کرد که این نامه باعث هرج و مرج و دزدستگی شده و صلاح نیست این استنادار به منطقه برگردد.
۴- در دفتر فعالیت‌های اسلامی عده‌ای وابسته به جنبش به اصطلاح ملی مجاهدین هستند که باید شناخته و ضربه شوند.

از مطالب فوق کلاً روشن است که عین زاده مسئول امتیازات جزئی و ظاهری (چون رفاهیات دادن ملک حسینی به انحلال رسمی کمیته و فعالیت آن در تحت نام سپاه پاسداران و همچنین رفاهیات دادن حمیدزاده به توهین استنادار و ...) و توافقی بر سر ضربه اقلیتی مترقی یعنی طرفداران جنبش ملی مجاهدین، کانون‌های ارتجاع موقتاً شاه‌هاشان را با یکدیگر تحریف داده‌اند و سعی در متحد شدن برای مقابله با نیروهای مترقی که بخصوص در رابطه با دهقانان و مشکل زمین، شوروم، بیگاری و ... شروع به فعالیت کرده‌اند، نموده‌اند چه کم کم زمینکشان می‌بینند که همان "خانها" و "آغاها" و "ساواکی‌های" قبلی دوساره همه چیز را گرفته‌اند و به آنها هیچ چیز نرسیده، کم کم به درستی استقلال‌های نیروهای مترقی متفاد می‌شوند و مرتجعین نیز دریافته‌اند که آفتاب عمرتان همزمان با آگاه شدن و مشکل شدن زمینکشان غروب خواهد کرد و لذا برای بقا بقا انداختن مرگ محتوم خود آماده می‌شوند در حالیکه شاه‌ها و اختلافت‌خانگانی و عشیره‌ای آنها را هم نباید از نظر دور داشت و لذا این منطقه هم از سری مناطقی خواهد بود که از آینده آبخش برغوردی‌های پیچیده‌ای خواهد شد. بخصوص دهقانان دهات اطراف دوگنبدان امروز و فردا می‌کنند که زمینشان را از فئودال‌های بزرگ یعنی تاجگردون و منصورخان باشتی که سالیات آنها را غصب کرده‌اند پس بگیرند و آنجا که دولت پشیمان خوانین و مالکین است بنا بر این سرخوردن با دهقانان حتمی می‌باشد. هم اکنون کارهای مربوط به کمیته با سوچ تا اندازه‌ای بسوله عده‌ای پاسدار که از فضا و اطهان به آنجا آورده اند صورت می‌گیرد.

در مجموع نتیجه‌گیری چنین است که جریان واقعه با سوچ هیچ شباهتی به جریانات مثلا کند، ارومیه و کردستان نداشته و برعکس آنچه در روزنامه مردم شماره ۲۸ ارگان مزدوران کمیته مرکزی‌کمی شده است انداز را انقلابی جلوه داده و مردم را پشیمان آن بنا می‌باشد، هر سه کانون موجود در با سوچ تحت رهبری مرتجعین و سران متعابر است و ربطی به مسائل و مشکلات زمینکشان ندارند. جریان توفیق مرزا یکجوش قدرت طلبی مرتجعین در منطقه است که بخت‌کار بر روی مردم سیه روز منطقه افتاده‌اند.

در شماره ۱۳ پیکار اولین قسمت این گزارش را که در آن به وضعیت منطقه، و نقش‌خان‌های مرتجع و ترکیب جناح‌های ارتجاعی در منطقه اشاره شده بود، آورده‌ام. اینک قسمت دوم گزارش را مطالعه می‌کنید.
در چنین وضعیتی است که درگیری‌های با سوچ بین کانونهای مختلف وجود می‌آید. ابتدا این کانونها بشنا می‌باشند:
۱- کمیته - که در راس آن آیت‌الله ملک حسینی از طایفه قاشگویی است که همواره بار و بار و نشوونداها بوده و در روزهای بعد از قیام از اینکته خانها و روسا پدیدایشان نمی‌شدند و ناراحت‌بود و آشکارا می‌گفت که بدون کمک خوانین انقلاب ممکن نبود. (برای مدت کمی خانها و روسا که فکر میکردند کلاشان از این به بعد پس معرکه است پدیدایشان نبود). ملک حسینی هر شب در خانه یکی از این روسا مهمان بود تا دلتان را بدست آورد و به آنها اطمینان دهد که دور، دور آنهاست. در این کمیته عده دیگری از افراد بومی که بعضی از آنها اشخاصی آگاهی هستند (از قبیل ظاهری) و همچنین دفتر برنامه و بودجه و کارکنانش فعالیت می‌کنند و همواره با جناح‌های دیگر رقابت و مبارزه دارند.
۲- دفتر فعالیت‌های اسلامی - که مشکل از سر، کردگان طایفه آفاقی، روشنگران محلی (محصّل و دانشجو) و تاجگردون برادرزاده فئودال بزرگ دوگنبدان میباشد. این شخص که بسیار متعصب و عصب مغز است با قرار گرفتن در راس آموزش و پرورش استان، انرا بصورت قبول شخص خود در آورده و حتی از حکم وزیر آموزش و پرورش نیز بی‌خبری نمی‌کند. وی اکثر آموزگاران آگاه و مبارز را از آموزش و پرورش بیرون کرده و غوغا و دهن و اطرافیان خود را بر سر کار گمازده است. این شخص با گزافه‌وری شهادی تفنگچی بعنوان محافظ که از باشت و کجیاران به با سوچ آورده است، به ضرور مردم (بلحاظ تن غشیره‌ای) لطمه زده و بنوبه خود به وفات اوضاع افزوده است.
۳- استناداری - مشکل از عده‌ای از کارکنان و معلمان آموزش و پرورش که اکثراً غیربومی بوده و در ارتباط نزدیک با بازار با سوچ (که عمدتاً غیربومی‌اند) میباشد.

و اما اصل ماجرا:
بین کمیته و استناداری رقابت و یک نوع درگیری پنهانی از ابتدا وجود داشته است. از یکطرف کمیته برهبری ملک حسینی و نفوذ عده‌ای از فاعالین بومی بعد دانشجو رهبری امیر وادوست خود میگیرند و من از آن شونده‌گه استناداری که عموماً محل جمع غیرمطمینان بود، امورا از دست مطمین خارج نمیداد. این رقابت و درگیری همچنان ادامه داشت تا اینکه بالاخره کمیته دستور بازداشت سه نفر از کارکنان استناداری را میداد (چون با زادتشان به نفع عقوبت درسا واک بوده است). استناداری مانع بازداشت و اخراج این سه تن نشود. کمیته و در راس آن ملک حسینی از این اقدام استناداری شدیداً ناراحت شده و دستور میدهد که آنها را بازداشت کنند و اگر استنادار مانع نمیشود، خود او را هم بازداشت نمایند. این سه نفر که در ضمن غیرمطمین هم بودند، بازداشت شده و در کمیته مطلق زده می‌شوند. استنادار (احمد هومن) پس از شنیدن ماجرا با نوشتن استفتائات مکه متخی بر مفرط اراق و اغوا کننده‌ها شد تا منطقه خارج میشود.

روز بعد عده‌ای از طرفداران دفتر فعالیت‌های اسلامی در خیابان با سوچ دست به راهپیمایی زده و خواستار بازگشت استنادار و انحلال کمیته میشوند. سپس با هادایت و رهبری تاجگردون در مسجد با سوچ دست به سخن می‌زنند. روز بعد مغازه داران نیز که اکثراً غیربومی هستند، بعنوان پشتیبان از سه فرد مذکور مغازه‌های خود را میبندند. اذات هم تقریباً تعطیل میشوند. روز بعد نمازندگان امام، یعنی آیت‌الله حمیدزاده و نماینده وزارت کشور به سوچ می‌روند. محتسبن پیرونده عده‌ای ساواکی را به دردیوار مسجد میچسباندند که یکی از آنها حجت الاسلام سیدابراهیم ملک حسینی برادر آیت‌الله ملک حسینی بود که یکی از مرتجع ترین شیوخ استان بوده و سالها بعنوان مامور ساواک در آموزش و پرورش کار کرده و برای بسیاری از امیران زمین

آن سازش مینماید. ولی هرگاه دولت موقت بخواهد لازم را به حزب نبرد دارد، حزب خود خلق کرد، نموده‌ها را به دنبال خود به قتلگاه ارتش خود خلقی خواهد کشاند و از آن‌ها چون گوشت پختوب استفاده خواهد کرد. ولی این کارزار نیز به خاطر حفظ دستاوردهای انقلابی خلقی کرد، بلکه برای اینست که بتواند به ترتیب شد از موضع قدرت با دولت وارد معامله شده و در نهایت هدف خود را که وجهه‌المصالحه قرار دادن خلق کرده‌مقابل برودن سببی از قدرت سیاسی استجا به عمل بیوشد. به همین دلیل است که سران این حزب با فرماندهان مزدور لشکر ارومیه به مذاکره می‌نشیند و در مقابل، خلق کرد را نسبت به محتوای این مذاکرات آگاه نمیگرداند تا بتواند معامله‌ها نشاند خود را در متنی از آگاهی‌ها شده - ها به سرانجام رسانند.
اطلاعه سبب سبب هشدار به نیروهای انقلابی و رزمندگان کمونیست مبنی بر افشای نوشته‌های مرتجعین و آگاه کردن توده‌ها و شمارهای چند با بان میباید.

دروغ به خلق دلاور کرد که جلوی حرکت تانکها به طرف مریوان را گرفتند

تعیین این شرایط حتی با وجود ارائه کاملترین و جامع‌ترین طرح نیز، هیچگونه ارزش عملی نداشته و تنها میتواند بصورت ایستاده‌ای در ذهن ما باقی بماند. در این حالت نصب ما سپاه حسرت اوضاع مناسب از دست رفته خواهد بود و با نگرانی و دلواپسی از شرایط ناگوار که در حال وقوع است، چرا که "نیروی مادی" را تنها با نیروی مادی میتوان پاسخ گفت.

اما آیا رفقای نویسنده طرح توانستند این دو مرحله را تمام ساخته و در نتیجه شیوه درمان واقعی و موثر معضلات و مسائل کردستان و محوسط ملی را ارائه دهند؟

آنطور که بررسی جزوه نشان می‌دهد، غیر. اگر صد اقتضای انقلابی و بیگاری گرفتن شیوه طمسی در تدوین طرح خود مختاری سپهبد که رفقای شوروی جمعیت‌های کردستان بتوانند به شناخت "درد" ناگسل گردند و طرح کاملی ارائه دهند که منطبق با نیازهای انقلاب دیکراتیک و ضد امپریالیستی می‌باشد، کار تمام در محیطی که سراسر مخسوم از احساسات و مبارزه ملی است، بهخصوص در شرایطی که جمعیت‌های کردستان در رابطه ارگانیک و سازمانی با مرکز و کل مبارزه‌ای که توسط تمامی خلق‌های ایران صورت می‌گیرد، نمی‌باشد، عدم وجود حزب سراسری طبقه کارگر که رهبری مبارزه ملی را در دستند است، بی‌توان خود داشته باشد و ... دست‌ان صادق کرد را یکسره طمی کرده و در تار و پود تنگ و محدود ناسیونالیسم کرد گرفتار ساخته است و همین ناسیونالیسم ما طی آن شده است که نویسنده‌گان طرح بتوانند رابطه منطقی و جدایی ناپذیری را که بین کردستان و سایر مناطق ایران و مبارزه‌ای که در کردستان جریان دارد با مجموعه مبارزه‌ای که تمامی خلق‌ها در سراسر ایران به انجام می‌رند، به‌دستی درک کرده و به‌هم پیوند زنند. یعنی این رابطه و این پیوند سرنوشت خلق‌های ایران را بر بنای حرکت از تحلیل بافصت اقتصادی - اجتماعی جامعه و به تنوع رابطه تحقق واقعی حق تعیین سرنوشت با حزب پرولتری و ضرورت وجود آن در رهبری مبارزات خلق‌ها قرار دهند. ولی آنها فقط به کردستان می‌اندیشند و در صحنه مبارزه تنها کردستان را می‌بینند و سیاست و برنامه خود را بر بنای مبارزه‌ای که در کردستان بعنوان یک مجموعه مستقل جریان دارد، تعیین می‌کنند. در این میان بخصوص جنبه وسیع توده‌ای مبارزه ملی در کردستان که اقدامات هویت‌یابی و سربازگانه دولت بر شدت آن می‌افزاید و همچنین استقلال همه جانبه توده‌ها از شمار خود - متعاری که به‌ناگتر اشتقاقی و نیاز آنها به رفاه از قید دست ملی می‌باشد، ناسیونالیسم دست‌ان کرد ما را دانسته و سمیتری پخشیده و آنها را به حدی غسرق در احساسات و دید ناسیونالیستی ساخته است که شرایط و اوضاعی را که امروزه در سطح کل جامعه ایران و درجهبه سراسری مبارزه وجود دارد، پاک از یاد برده‌اند. این ضعف عده‌ها و آن عامل تعیین کننده‌ایست که نویسنده‌گان طرح را بطور اجتناب ناپذیری به دید سیاسی و ارائه برنامه نادرست ناسیونالیستی و در عمل راست‌روانه می‌کنند. (ادامه دارند)



گزارشی از تحصن زنان کشاورز روستای حصارک خروان

چرا کمیته و دولت که خود را نمایندگان خلق می دانند، از صمد تقوی ظالم حمایت می کنند؟

میزان ۵۰ در فاصله رسیدن امداد از شهر و آمدن پاسداران حتی از تهران برای حفاظت ایستگاه کهن دژ که سرپرست پاسداران را جوانی بنام "فتح الله قربانی" بجهت داشت، دور به آسمان بلند می شود.

در آتش سوزی های کماقتا می افتد خانه ها و مزارع های زیر طعمه حریق میشوند: ۱- منزل "صمد تقوی" و "میرمحمد" متعلق به وی. ۲- منزل "محمد تقوی" ۳- منزل و مزارع "محمد تقوی" ۴- "محمد تقوی" ۵- منزل "حسین عبد الهی" ۶- توضیح اینکه چون در منزل "حسین عبد الهی" یک مستاجر ایرانی سکونت داشت شکستن شیشه و راه پلکانها میشود. ۷- منزل "صمد تقوی" که به شکستن شیشه اکتفا میشود. ۸- منزل "صمد تقوی" که مامورین کمری در کنار منزلش بود در آتش میسوزد. ۹- اظهارات طرفین حادثه بدین شرح است: "ما در آنجا اظهار میداشتیم که اشخاص نیر: "اسداله میرزایی"، "شعبانی"، "محمد عظیمی" یاد درست داشتن گالن های بنزین باهست این آتش سوزی شدند. اظهارات دهقانان چنین گواهی میداد که "محمد تقوی" و "علی شیرمحمدی" و "اکبر شیرمحمدی" و "فضل الله" و "صمد تقوی" و "حاجی اسمعیل فتاحی" باعث تیراندازی و آتش سوزی شدند. دهقانان اظهار میداشتند که این عده قهلاخانه های خود را خالی کرده بودند و خودشان خانه ها را آتش زدند. ما همین گمته حدود ۱۰ نفر را دستگیر کردیم که در آنجا از عوامل صمد هستند. دستگیر شدگان در حال حاضر در رسته ای که متعلق به تنگابنی وکیل معروف بوده و اکنون در اختیار پاسداران میباشد، نگهداری میشود. تعداد متعاقب دستگیری کشاورزان میباشد. جهت تلگرام به دفتریات اله خمینی و تحصن در اداره پست و تلگراف قزوین با نجاس ریزند و از گروهها عیاز و مردم مبارز قزوین دعوت میکنند که به آنان به پیوندند. در اطلاعیه ای که در منزل صمد تقوی نوشته است: "ما زنان قریبه حصار خروان که در اداره مخابرات قزوین تحصن هستیم و در محل تحصن مورد حمله پاسداران قرار گرفتیم برای احقاق حقوق خود احتیاج به پشتیبانی اهالی قزوین داریم خواسته های آنان شرح نریاست:

- ۱- آزادی زندانیان کشاورز
- ۲- رسیدگی فوری به جنایات و کشتار آتش سوزی
- ۳- مجازات "صمد تقوی" و جفا به دستان او که تبدیل به تنگ دستان شده اند.
- ۴- دستگیری و مجازات عاملین قتل جوان شهید "علی اصغر یاقینی" و شش مجروح دیگر
- ۵- مدت چهار ماهه است که این درگیری ادامه دارد و هیئت طمیه هنوز رسیدگی نکرده است
- ۶- چراگانی که اسلحه آژپنا کشف شده است آزاد هستند و شکایات به تهران می برند؟
- ۷- رسیدگی به وضع مجروحین حادثه
- ۸- محکوم کردن آتش سوزی خرم بار و نازل سکونی و خواستار متعاقب کردن واقع صمد تقوی در مطبوعات
- ۹- تارسیدگی به حادثه تحصن ادا ممدارد و صیبهج - وجه شکسته نمی شود.

روی کار آمدن دولت جدید، آنها خواستار زمینهای ضبط شده به وسیله صمد تقوی و یارانش بودند. بدنهال شکایات آنها صمد دستگیر میشود و به علت روابط خاصش با روحانیت قزوین (تبعیه خوانی و دادن غذا در روز عاشورا) و با دادن وثیقه و برابری روابط غلبه میکند و صمد آزاد میگردد. به دنبال آزادی صمد، روستائیان که می بینند خواسته شان توسط کمیته قزوین برآورده نشد اعتراض میکنند و بدین ترتیب صمد دوباره دستگیر میشود. و دوباره وثیقه آزاد میشود که باعث اعتراض روستائیان به برخورد آنها با عوامل صمد و کشته شدن یکی از عوامل صمد در فروردین ۸۸ میگردد. برای بار سوم حاج صمد تقوی دستگیر میگردد و این بار توصیه بعضی از عناصر کمیته (این عده با آگاهی به روابط حسنه صمد با روحانیت قزوین از ترس تیر کشیدن او توسط روحانیت روستائیان) او را به تهران منتقل کردند.

در حادثه فروردین ماه که منجر به درگیری روستائیان با طرفداران حاج صمد شد، طرفداران صمد تصمیمگیزی کردند که در روزینهای صمد تقوی را کمیته در قهلاخانه کاشته شده بود با نظارت هیئت طمیه قزوین جمع آوری و مطابق قانون شروع اسلام بین روستائیان و صمد تقسیم نمایند. ولی در روز پنجشنبه ۸/۷/۵۸ به سردار صمد تقوی به همراه عده ای بنام های "احمد" و "صمد" "حاجی اسمعیل فتاحی"، "شیرمحمدی" و "حسن عبد الهی" و "فلام امام وردی" و چند نفر دیگر به تیراندازی و تخریب روستای هم رابطه اطراف ایستگاه کهن دژ با یکدیگر می کشند. از طرف دیگر کشاورزان جهت جلوگیری از دروزمین ها با داشتن بیمل و کلنگ و چوچستی در مسیر دروخت می آیند. در ۲۰ شهری زمین از طرف خودشان در زمین تفری راه عنوان نمایند به طرف کسان صمد تقوی که در حال دروزمین بودند میفرستند. ضمن صحبت نمایندگان گروهی از نرفرا طرفین بنای فتاحی با هم رایزین کردند. در این میان صدای اسلحه گرم از طرف گروه صمد به نوا میجهد و از نرفرا جابو صف کشاورزان جوانی بنام علی اصغر مانسی کارگر شهر صنعتی قزوین زمین میماند. صفا شلیک گلوله های دیگری با پنج نفر دیگر گمان های "محمد احمد موسوی" از ناحیه دست راست است. "محمد تقوی" از ناحیه شانه چپ و "محمد قربانی" از ناحیه پای راست مورد اصابت گلوله قرار گرفته همین می افتد و جمعیت متفرق می شود. در همین متفرق شدن مامورین "پلیس" متعلق به صمد تقوی که در کنار کانال آب واقع در جنب ایستگاه کهن دژ بود به آتش کشیدند و میسوزد (بطوریکه شایع است توسط کشاورزان به قول کشاورزان از طرف ابادی صمد) درین شعله روشن شدن مامورین دامنه آتش به باقی مانده "خرممنسی" که گندم هایش توسط صمد تقوی خراب شده و وقف ساقه هایش مانده بود میسوزد و به خاطر عدم دسترسی به مواد ضد احتراق و آتش نشانی و وسعت آتش در حدود ۳ هکتار زمین که در هکتار آن قبلا درو شده و یک هکتار آن درو نشده بود.

زنان کشاورز روستای حصارک خروان واقع در ۱۵ کیلومتری قزوین، بنامه نوشته "روزنامه" آیدگان از یکشنبه در هم و بنامه گفته "زنان تحصن از روز پنجشنبه هفت تیرماه در اداره مخابرات دست به تحصن زدند".

حدود ۹ نفر از روستائیان زحمتکن حصارک در زندان کمیته قزوین در اسارت میسرند برند و زنهای خانه خود را در ده رها کرده و شهر گمته اند. غذای آنها نان پنیر یا نان هند وانه می باشد نه زندان از نان پاک پتوی نازک و قلبد هایشان برآورد و نگران خانه زمینی که در ده رها شده. وقتی از آنها می پرسیم، نگران خانه و زندگی ات نیستی میگویند وقتی همسران مادران هستند، دیگر خانه و زندگی چه اهمیتی برای مادر عده ای از جوانبهای روستاهم که در کنار مادران و خواهران خود تحصن اختیار کرده اند (آنها با تعداد موقوفه در روستا نبودند) میگویند اگر به روستا برگردیم ما علان "صمد تقوی" را دستگیر میکنند اما گمان غریب و وحشتناک است.

مالک عده این روستا "حاج صمد تقوی" میباشد بگفته اهالی حاج صمد بخاطر زنده های که با دلسا و زخم مغرور و بیجا است و امیرالیم شاه داشت اصلاحات ارضی شامل حال اراضی او نشد. او توسط بعضی از دیاریان مثل "صمدی" پشتیبانی می شد.

"حاج صمد تقوی" یک ارزش مسلح هم برای خودش درست کرده است و بوقل اهالی برای خودش دولت و دم و دستگای دارد. در قصر او در روستا ۳ میلیون تویان می آید و یک استخر شانی بزرگ دارد. چندین تخته فالیهای ابریشمی گسرن قیمت در اطرافهای خاندانشان وجود دارد. غیر از او چند زمین دارد دیگر هم در ده هستند که در جریان درگیری اخیر اسلحه اصطلا توسط آنها تانین شده بود.

حاج صمد با پشتیبانی زرعی و تعاون روستایی هم رابطه داشت و چرا که بود و در روستا راه انحصار خود را آورد بود. همین دلیل روستائیان کاسلایه او وابسته هستند در حدود بیست سال پیش حاج صمد تقوی به عنوان اجاره داریه حصار خروان می رود. هم روزی آن در آن جا رشد میکند. روستائیان این ده که اکثر خرد مالکند و قبل از اصلاحات ارضی دارای زمین بودند. در دوران اصلاحات ارضی از ترس تصمیم ارضی زمین های خود را در تیراندازی رسی کشاورز و قیمت به ششبرساند و حاج صمد با استفاده از این ساله با کمک سرد شترنامه ۳ قزوین بنام شیخ محسن کریمی و اعمال نفوذ او و کیلانی ها استفاده از نیرو کراسی طبقه حاکمه ارسال و تا ۷ هکتار زمین از زمین های روستا را در اختیار خود درمآورد و اکنون مالکیت خود به ارادت حدود ۶۰ هکتار است و مالکیت بقیه روستائیان که حدود ۱۰۰ خانوارند خیلی کمزایند حاج صمد است. کلیه زمین های مرغوب کنار چاه های انبوه و آبریز و آبریز برای مردم شهر متعلق به حاج صمد است.

صمد در دوران شاه سابق ظلم و تعدی بسیاری به روستائیان روا داشته و مرتکب قتل شده.

روستائیان این منطقه با آگاهی از منافع طبقاتی خود و سستی که از طرف صمد و یارانش به این ها حاصل شده بود فعلا لا نه در جنبش ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی شرکت داشتند و حاضر در تظاهرات آبریز آن وقت برای مردم شهر قزوین در حمله ارتش به شهر بعد از پیروزی قیام بهمین ماه و

انحصار طلبی در کمیته پاکسازی دانشگاه ارومیه محکوم است

اختیارات ثورا است تصمیم گرفته تا به وسیله ارتگان ای اجرائی به مورد اجرا گذاشته شود، تشکیل شده است اما متأسفانه در موارد زیادی چنین اولوی که ساد - ترین میانی دموکراسی میباشد رعایت نشده است. از جمله حرکت ندادن نمایندگان دانشجویان در امور بررسی پرونده های دانشگاه و جنایات و جفا ها و دور دادن بودجه دانشگاه.

از طرف نمایندگان گروههای دانشجویان دانشگاه ارومیه و مبارز و جمعیت دفاع از آزادی خلق کرد:

رسول شوکتی - علی عرب لاریجی - حمید مطلقزاده

رونوشت:

- ۱- روزنامه های با مباد - آیدگان -
- اطلاعات - بیفام امروز -
- ندای آزادی - امت -
- پیام خلق - گاز و پیکار
- شورای موقت دانشگاه ارومیه
- کمیته پاکسازی دانشگاه ارومیه

اعلامی است متعنوان فوق از طرف نمایندگان گروههای دانشجویان دانشگاه ارومیه و جمعیت دفاع از آزادی خلق کرد (با امضای آقایان رسول شوکتی - علی عرب لاریجی - حمید مطلقزاده) انتشار یافته و برای پیکار هم بعنوان یکی از نشریات تحویل گیرنده ارسال شده که چنین آغاز میشود:

یکی از دستاوردهای قیام خونین فخرمانه غلغ ما در بهمن ماه تشکیل ثورا های موقت و کمیته های پاک سازی در دانشگاه جهت دادره امور دانشگاه و تصفیه عمارت مزدور بود. در دانشگاه ارومیه نیز کمیته ای تشکیل گردید. ما با تبدیل مسئولیتی که بعنوان نمایندگان جمعی از دانشجویان در کمیته پاکسازی و شورای موقت دانشگاه داریم و نیز بدلیل اهمیت که برای مسئله پاکسازی در دانشگاه قائلیم، و از آنجا که مسئله بارها در جلسات و خارج از آن صحبتی زیادی در جهت رفع ناراحتیها و ناهماهنگیها نمودیم ولی متأسفانه کوچکترین توجهی به آن نشده است. لذا این کمیته را تحریم و عدم شرکت خود را در جلسات آن اعلام می -

نماشیم. از این به بعد مسئولیت کلیه تصمیماتی که توسط کمیته صورت میگیرد بعهده دانشجویان و منتقدین هم عامل عده این ناراحتیها و اشکالات، خود خواهیم و انحصار طلبی های کسانی است که در کمیته پاکسازی اعمال نفوذ می نمایند.

در پایان، بعد از ذکر اینکه بخاطر انحصار طلبی موجود در کمیته پاکسازی دانشگاه از حرکت در جلسات ثورا خودداری میشود، ملل این مدم شرکت را اینطور بازگو میکنم:

- ۱- در دسترس گذاشتن پرونده های متهمان به همکاری با ساواک متحله و افرادی که در مبارزات دانشجویی معایر با جهت حرکت انقلابی دانشجویان و بر ضد منافع مردم شتمیده ما عمل میکنند.
- ۲- رعایت نکردن ابتدائی ترین اصول دموکراسی و انحصار طلبی (به نظر ما ثورا از تعداد معینی افراد منتهای مختلف دارای حقوق مساوی و صاحب یک رای نه بیشتر و نه بیشتر هستیم، در کلیه مسائلی که در حوزة

سخنی با هواداران: پیراهون وظایف ما در قبال انتخابات مجلس خبرگان



رفیق مرتضی آلادپوش

همچنین بدلیل همین وحشت و هراس آنها از آگاهی توده‌ها و نیز تثبیت هرچه زودتر پایه‌های قدرت خود از طریق "تصویب" قانون اساسی گذاشتی است که خدمت "مجلس خبرگان" را به جای "مجلس موسسان" بگسار بستند، تا از این طریق تا حد امکان از عملکرد افشاگرانه نیروهای مترقی و انقلابی جلوگیری نمایند.

اما ما و دیگر نیروهای انقلابی و مصلح‌گرایان طبق هدفمان افشای دشمنان خلقیای زحمتکش و در رأس آن طبقه کارگر بوده‌است، از هر فرصتی برای آگاه نمودن توده‌ها استفاده نموده و می‌نمائیم. و در این راه و بسرای نقش بر آب کردن نقشه‌های دشمنان انقلابی‌ساز و تخریب آنها در تمام نواحی و مناطق ایران، ما می‌کوشیم.

هم اکنون که تمام اجتماعات خلقی محکوم اند و مورد تهاجم قرار می‌گیرند، شوراهای کارگری چهید به انحلال می‌شوند، سران انقلابی و حق طلب "مجلس" انقلابی "خوانده" میشوند و اکنون که دستاوردهای انقلاب در پیش چشم توده‌های خلق، یک به یک به بنام ما می‌روند و وظیفه ماست که بطور پیگیر دست به افشای وسیع سیاست‌های ضد انقلابی دولت بزنیم. اما در حال حاضر، از آنجا که توده‌ها علیرغم ماهیت ضد انقلابی دولت، خواهسته‌های خود را از او طلب می‌کنند و به "مجلس" خبرگان "چشم دوخته‌اند، ما با شرکت در انتخابات "این مجلس" می‌کوشیم تا زمینه مساعدی برای ایسین افشاکری فراهم سازیم.

در چنین شرایطی، این وظیفه ماست که نیروهای خویش را در چنین جبهتی بسیج نموده و سازمان دهیم و به تبلیغ و ترویج وسیع از هر طریق و با هر امکان در میان توده‌های خلق بپردازیم.

شکی نیست که این وظیفه همیشه ما طرفداران آزادی طبقه کارگر می‌باشد، اما در شرایط کنونی که انتخابات "مجلس خبرگان" در مرکز توجه توده‌ها قرار گرفته، این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است و بیش از هر زمان دیگر کوشش و فعالیت سازمان یافته و مسئولانه را طلب می‌کند. وظایف عملی نیروهای م-ل و هواداران آن-ه در این مرحله عبارتست از:

- پختن وسیع تراکت‌ها، اعلامیه‌ها، پوسترها و ... در کلیه نقاط شهر و روستاها
- ایراد سخنرانی در محل کار و سکونت
- شرکت فعال در مجامع توده‌ای، و بحث و گفتگو با مردم پیرامون اهداف فوق الذکر
- حرکت مشگکل (بصورت دسته‌های چند نفره)، در شهر و مناطق توده‌ای و محل جمعیت‌گراگری و ... بسرای پخش اعلامیه‌ها، و تراکت‌ها و بحث و گفتگو با کارگران و توده‌های زحمتکش
- ایراد سخنرانی در محلات و مناطق کارگری و توده‌ای، از طریق تشکیل میتینگ‌های موفعی
- شرکت در سخنرانی‌های دیگران و افشای مواضع نیرو-انقلابی
- تبلیغ گاندیدها و بخصوص تبلیغ اهداف ما از شرکت در "مجلس خبرگان" بطریق گوناگون و منجمله نوشتن شعار بر دیوارها و ... در اماکن عمومی
- تحت فشار قرار دادن دستگاه‌های رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های وابسته به قدرت حاکم، در جهت آواگردن آنها به ایجاد امکانات بیشتر تبلیغی برای شیوهای انقلابی
- م-ل

رفقا: بحران سیاسی - اقتصادی فعلی حاکم بر جامعه، نشانگر نا توانی نیروهای است که بنا بر ما هیست طبقاتی شان نمی‌توانند و نمی‌خواهند به خواسته‌های عادلانه و انقلابی توده‌ها پاسخ دهند و از طرق مختلف به شیوه‌های گوناگون سعی در مهار نمودن پیشروی انقلاب توده‌ها می‌نمایند.

خلقهای مبین ما، خود به بازترین شکلی شاهد پایداری شدن حقوق عادلانه خویش در تمام زمینه‌ها می‌باشند و می‌بینند که رژیم حاکم، بتدریج نیروهای سرکوبگر خود را بازسازی می‌کند و پیوسته بر حملات و تهاجمات خود بر نیروهای انقلابی و مبارزات قشرهای پیشرو خلق می‌افزاید. و با تسلیحات گسترده و مداوم خود می‌کوشد، تا در ذهن پختن‌های نا آگاه توده‌ها، آتار "انقلاب" و "انقلاب" جلوه دهد. حال آنکه این خود آنها هستند که از هواداری ارضافغ و امتیازات امپریالیسم و ارتجاع، در امر پیشرفت مبارزه ضد امپریالیسم و دموکراتیک توده‌ها "انقلاب" میکنند و متقابلا از پیشروی انقلاب توده‌ها هراس می‌وراهند و در راه مبارزه با این روه عاملی که بتواند هرچه بیشتر موجبات رشد و آگاهی توده‌ها را فراهم کند، و آنها را در امر تحقق خواسته‌های برحقشان، ترغیب و تشویق نماید، "ند نظر آنها" ضد انقلاب "محبوس" می‌شود. و از همپوشانی که تمام مسائل ارضیاط جمعی از رادیو و تلویزیون و برقی مطبوعات گرفته تا سایر امکانات عظیم تبلیغاتی دولتی در اختیار این نیروهای قرار گرفته است و جایی برای گفتگو و بحث نیروهای انقلابی باقی نمانده است. و اگر در این چند روز و چند چنین امکاناتی، آتشم بطور بسیار محدود را تحمل کرده‌اند، بخاطر فشار توده‌ها و اجتناب از رسوایی در پیشگاه آنها است.

"مجلس خبرگان" با اینها چه خواهد کرد؟! ارتش

به نظر می‌رسد که در این شرایط، سازمان امنیت و اطلاعات، با اینها چه خواهد کرد؟! ارتش، با اینها چه خواهد کرد؟! ...

اجازه ندهیم ارتش، سازمان امنیت، ژاندارمری و ... باز دیگر با بازار سرکوب مردم تبدیل شوند

روزنگاران آزادی طبقه کارگر / سازمان آزادی خلق ایران
اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر / سازمان آزادی طبقه کارگر
پسوسه / سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دلیل هم بود که ایشان طی ماه‌های قبل از قیام بارها با چراغ سیزنشان دادن به شاه و ملتنامه از او می-خواستند که سلطنت کند نه حکومت!]

اکنون بازگان نگران بی حرمتی به ارتش است، ارتشی که بزمع ایشان، خلق بجای تکیه بر آن، سرخود بر علیه آن به تعرض پرداخت (البته ایشان فراموش میکنند که اگر چنین نمیشد ایشان هم اکنون در مقامی نبودند که چنین حرف‌هایی بزنند) و هنوز هم به آن حمله میکنند و خواستار دگرگونی آنست!

بازی بورژوازی لیبرال خنیف و نزارو ترسان از توده‌های دیروز، امروز علشان "قاطمیت و قدرت" است تا توده‌ها را سرکوب کند. و ملت اخیرش نیز بسا شورای انقلاب کام دیگری است در راه رسیدن به قدرت و قاطمیت. و چنین است که بازگان این بیبوند را در تعلق خویش تا دیش میگویند.

رفیق مرتضی (حسین) آلادپوش یکی از کارگران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر است. زندگی سرشار از مبارزه سرخشانه او با رژیم جنایتکار شاه و تجاری که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی مدعی، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رهائی زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلادپوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۳۲-۳۰ و هم-زمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده او یک جو-سای فدا سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بود که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲-۳۹ که در دبیرستان علوی تهران درس میخواند به حزب آتوز بسته بودند بی برد و مطالعات و جستجوی خود را ادامه داد. در سال ۱۳۴۴ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد و لوسی رفیق بهیچ وجه نمیتوانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان انقلابی درآمد. و پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از فعالترین کادرهای این سازمان به مبارزه خود ادامه داد. دو سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائیز سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در محبوسگاه‌های رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هرچه بیشتر راه‌های بنیادی مشکلات جامعه دست-بر-نداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامیکه رفیق در زندان بود رژیم شاه خاشن ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (د و برادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در اواخر سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست.

ادامه از صفحه اول تحریف ...
به آن جانشین زد، توجه کنید: انقلاب لنین و انقلاب هیتلر! با لایمب. آقای بازگان بی آنکه ترسیمی به خود راه دهد فاشیسم هیتلری را که میلیونها نفر را بجاک و خون کشاند با انقلاب کارگری روسیه کسه نقطه عطفی در تاریخ رهائی بشر بود. مؤذیانسه در کنار هم می‌کشد و از مفر بورژوازی خویش-نام بر طمطراق "انقلابات حزبی" را بیرون میکند. تا بسا یک تیر دو نشان بزنند: هم انقلاب کارگری روسیه را به لجن کشند و هم "ثابت" کند که هر تغییر و تحولی در قدرت دولتی، انقلاب است.

اما انقلاب نوع سوم از نظر ایشان انقلاب ملی ایران است که منافقانه "قاطمیت و قدرت لا زم" را ندارد. البته "قاطمیت و قدرت" دلخواه سرمایه-داران. قاطمیتی که با تکیه بر ارتش حاضر و آماده و بوروکراسی دست نخورده و مومن از دخالته توده‌ها، به سرمایه‌داران اجازه دهد تا دیکتاتوری شان را اعمال کنند. آقای بازگان علت اللطل ضغف انقلاب را در خصمه ملی انقلاب مبینند و میگویند از آنجا که در این-انقلاب "تقریباً تمام طبقات ملت و مردم شرکت کردند ... و شهید دادند ... و بنا بر این همه منطقی و حقا یکجا سیم و مالک بودند ... توقع توده‌ها با لا رفته است و از این روه هر فرد از توده‌ها "حق دخالته را بخودش داد" بخصوص آنکه "سرخلات انقلابهای دیگر دنیا، انقلاب ایران بر علیه دستگاه دولت و ارتش بوده است؟! در اینکه انقلاب مورد نظر "آقای بازگان همان "انقلاب" هیتلری و رضا خانی ساید باشد شکی نیست. در واقع ایشان یک جابجائی بی سرو-مدا در رأس قدرت دولتی را ترجیح میدهند (بهمین

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

اخبار کارگری

مستحکم باد اتحاد کارگران "پارس مینو"!

در گزارشی که از مبارزات کارگران پارس مینو تهیه شده بود (پیکار شماره ۱۲) دیدیم که چگونه عوامل کارفرما با همکاری کمیته زنجان بر علیه ناسازگارندگان مبارز کارگران وارد عمل شدند و چگونه اعتراض کارگران را با کلوله جواب گرفتند. و سرانجام دیدیم که کارخانه از تاریخ ۲۱ / ۴ به مدت ۱۰ روز به تعطیلات تعطیلات تابستانی تعطیل شد. اما بعد از تعطیلات روز دوشنبه ۵۸/۵/۱ کارگران سر کار خود بازگشتند. لکن عوامل کارفرما که ناسازگارندگان مبارز کارگران را چون غاری در چشم خود میدیدند و از توطئه های قبلی خود نیز سوختن نموده بودند. همچنان بر علیه کارگران و ناسازگارندگان آنها توطئه چینی میکردند. روز دوشنبه با حضور نماینده ای از وزارت کار بین عوامل کارفرما و کارگران توافق مشهوده که شورای کارخانه (به ازای هر ۵ نفر یک نماینده) تشکیل شده و عوامل مزدور تعقیب شوند. صبح روز بعد کلیه کارگران سر کار حاضر می شوند. لکن تنها اقلیتی از مهندسی و دیگر عوامل مدیریت، پس از روبرو شدن با مقاومت متحده کارگران با لاجبار مشغول بکار میشوند. و اکثریتشان کسانی که از کار کردن خودداری میکنند و توطئه همچنان ادامه می یابد: در حدود ساعت ۳ بعد از ظهر روز سه شنبه ۵/۲ حسین ترابی یکی از ناسازگارندگان کارگران هنگام خروج از خانه سازمانی خود به وسیله اتومبیل یکی از عوامل کارفرما زیر گرفته میشود و ساق پایش می شکند که اکنون در بیمارستان ملت قزوین بستری است.

چند ساعت بعد یکی از کارگران مبارز بنام جمشیدی توسط یکی دیگر از عوامل مزدور کارفرما بنام علیرضا رومی در خانه سازمانی خود مجروح می گردد که به بیمارستان ابهر منتقل میشود.

کارگران کارخانه پس از این توطئه ها چنان خشکی میشوند که میخواهند با سنگ و چوب به خانه های

دیروز "ضد انقلابی" امروز هم "ضد انقلابی"

دایوش فروروز وزیر کار و اموراجتماعی دراجتماع کارگران کنتراگرا (در تاریخ جمعه ۵۸/۵/۵) سخنرانی خود چنین میگوید:

"در گذشته هرکاری از حقوق صنی و حرفه ای و نامین حداقل معاش سخن میگفتند زندان و سیاه چال فرستاده میشد ...

چه "مرا موشکاری" عجبیسی!

آقای وزیر کار: نگاهی به ماده ۴۹ قانون! "دادگاه های فوق العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب!"

بیمندارید:

"اعمال انضامی که به نحوی از انحاء در امور کارگاهها و کارخانجات کشورا ملال و کارگران را تحریک و تخریب به تعطیل کار و کارگاه و کارخانه نمایند، خرابه زدن به مصالح عمومی و استقلال اقتصادی کشور و ازجرایم ضد انقلابی است و مرتکب بر حسب درجات جرم، بر حسب تنفیذ دادگاه به کیفر جنائی درجه دو، از دو سال تا ده سال محکوم میشود."

این "دم خورس" بقدری گویاست که نیاز به بحث دربارہ فریبکاری و تخریب کاری آقای وزیر کار نیست. توده های زحمتکش کارگران امروز نه تنها برای احقاق حقوق صنی و نامین معاش خود به مبارزه ای سخت با سرمایه داری حاکم پرداخته اند بلکه در درجه اول به خاطر آزادی و استقلال میهن و رهاشی همه خلفا از قید وابستگی به امپریالیسم پیگیرانه مبارزه میکنند.

مهندسی و عوامل کارفرما حمله ور شوند که از طرف خود کارگران از این عمل مناعت میشود. سه شنبه شب کارگران در کارخانه میمانند و تصمیم میگیرند که روز بعد دسته بیکار بهیاشی اعتراضی بزنند.

صبح روز چهارشنبه راه پیمایش کارگران با مغوفی منظم و مشتاهی گره کردن و سینه های آکنده از خشم و نفرت بیست میدان یادبود شهر خرم دره آغاز میشود.

کارگران شعار میدادند:

- حقوق زحمتکشان، در قانون اساسی، منظور باید گردد!
- کار، مسکن، آزادی، شعار زحمتکشان!
- عوامل مزدور کارفرما، از محیط کارخانه، اخراج باید گردند!
- مرکز آمریکا، دشمن کارگر!
- ...

سرانجام کارگران در میدان یادبود جمع شده و پس از سخنرانی یکی از کارگران، با صدور قطعا مه ای سه راه پیمایش خود پایان می دهند. در قطعا مه کارگران خواستار محاکمه فخیم جو سرپرست پاسداران زنجان و هم چنین اخراج مزدوروا میشوند و از رهبری اسام خمینی پشتیبانی می نمایند. که مورد تأیید همه کارگران واقع میشود.

بعد از این راه پیمایش که مهندسی و دیگر عوامل کارفرما از اتحاد و یگانگی و قدرت کارگران به هراس افتاده بودند همراهِ این اقدام از اعمال ضد کارگری خود به سر کار بازگشتند. کارگران بخوبی دریافته اند که هیچ نیرویی در مقابل اتحاد و یگانگی آنها شتاب مقاومت نخواهد داشت.

درباره "ناصرطحان"، کاری که فدای توطئه کارفرما شد

خوردن رفیق همدرود همزمنش را می بیند، خوش بچوش میباید بکمتک برادرش میبود. مزدوران کبابی که ناصر آقا هم حمله کرده و بشدت او را مجروح میکنند، جراحات وارده کار خوش را میگویند ناصر آقا در حالیکه سینه اش مالانمال از شق به کارگر و دست و صورتش به سرمایۀ داران بود، بشدت میرسد. ناصر آقا را قبل از شتاب به بیمارستانهای سجاد (آرپا میسر سابق) و میثاقیه میبرند، ولی پزشکی در کار نیست، برای کارگرها معمولا پزشک حاضر نیست. ولی اگر سرمایۀ دارهای هر پول یک خراش به بدن کنیشتان میبشد فوراً چندتا دکتر زبده با لاشران ظاهر میشوند. آخه سرمایۀ داران پول دارند و در یک جا همه سرمایۀ داری همه چیز مال پولدارهاست. ملاحظه، ناصر آقا شهید شد. بسنگان نش به دادگاه سرمایۀ داران شکایت بردند و آقایان کبابی را متهم کردند. ولی هر که گوش کردند آقای میرشجاعی با زهرس، کاری کرد که کبابی ها از همه

ناصر آقا کارگر کارخانه کور اوغلی قزوین بود. او هم مثل میلیونها کارگر دیگر در ایران صبح ناشب جان می کند تا یک لقمه نان بخورد و نیمبر بدست بیاورد. ناصر آقا کرجه حیوونت نمیتوانست، مثل کارگران دیگر، نکشش را در دست و حسابی سیر کند، به آرزوهای ریز و درشتش جامه عمل بیوشاند، ولی هر روز با خون و عرق خودش بر سرمایۀ سرمایۀ دار زانو صفت اضافه میگرد، تا او مانند سرمایۀ دار- های دیگر بیشتر از پیش به کارگرها زور بگوید بر علیه آنان توطئه کند. ولی ناصر آقا با اینکه ظاهراً چیزی را نشان نمیداد، دل پوری از سرمایۀ داران داشت. همچنین از سرمایۀ داران و کارفرمایانی که کارخانه کور اوغلی دست آنها بوده یعنی (حمید، جلیل حاجی و کبابی، بگروز (اسفندماه گذشته)، حاجی کبابی که ششدهای از مزدورانش دستور داده بود که یکی از کارگرها را شنبه کند. ناصر آقا صحنه کشک

چیز میرا باشند و کسی کاری بکار آنها نداشته باشد. سرانجام هم با قرار دادن ۱۰۰۰۰ ریال مشتری سیرای خانواده، شهید از طریق "اداره بیمه جمهوری اسلامی" برای کارگری که ۱۳۳۰۰ ریال بکارش داده بود، سر و ته قضیه هم آمد. در دادگاه قرار شد که ماهی هزار تومان هم کارفرما به خانواده او بپردازد، ولی ای بسا، ناصر آقا زنده بود، سرمایۀ دارحقش را میخورد، حالا که دیگر شهید شده، اینجا همین چند ماهی که از شهادت ناصر آقا گذشته ثابت کرده که از هزار تومان تمسین نده، خبری نیست.

به نیت کارگران عزیز، مشتری خانواده ناصر آقا را مقایسه کنید با مشتری ضد انقلابیونی که دشمنان بخون مدعا چون ناصر آقا آفتخته است و بعد از قیام عده ای از آنها معدوم شده اند. ببینید که تفاوت از کجا تا کجاست. ولی چه میشود کرد. رژیم سرمایۀ داری است. دیگر، و سرمایۀ داران حکومت میکنند. کارگرها وقتی میخوانند خوشبخت باشند که خودشان حکومت کنند.

سرمایه دار میفرید، یک روحانی آنرا تأیید میکند

بعد از ظهر روزیکشنبه ۵۸/۴/۱۰ یک جلسه عمومی متشکل از کارگران و کارکنان کارخانه ویتانا جهت انتخاب هیئت مدیره جدید برای شرکت شعاع شد و سخنرانی یک روحانی (بنا به گفته مسئولین، نماینده آیت الله خمینی) تشکیل گردید. در این جلسه، ابتدا رئیس شورای عامل کارفرما، موسی نادری، سخنرانی کرد. مضمون سخنان او چنین بود: آنها که میخواهند بین کارگر و سرمایه دار اختلاف بیاورند، برادری اسلامی آنها را بهم بریزند، و آنها که ۱۲ ساعت کار در روز (۳/۵ ساعت اضافه کاری) را گویا غیر انسانی میدانند. آنها که اعتراضات را بین ۱۲ ساعت کار لازم میدانند و آنها که میگویند با حقوق کم است (روزی ۳۰ تا ۳۵ تومان) ... آنها ضد انقلابی و ضد اسلامی هستند. سپردن طبعی چشمان منتهجب و بعضاً بی تفاوت کارگران از نماینده آقای خمینی میخواهد که مراتب رفاهت کارگران این

"کارخانه می آیند و می گویند که ما می خواهیم به سرکاربان بازگردیم و تا به ایام هم از امام داریم، اما کارفرما قبول نمی کند. تا آنکه دو هفته پیش باز هم ۳۰ نفر از کارگران به کارخانه می آیند و ۱۴-۱۳ نفرشان هم قسم میشوند که کارفرما و سرپرست کارخانه با اسم "صغاری" و یک نگهبان و چند نفر دیگر را بکشند. اما کارفرما نبود و کارگران سرپرست را می گیرند که مأمورین کمیته می رسند و گروهگوشا را از دست کارگران آزاد می کنند. البته در آنروز کارگران دوسه نفر از هنگاران کارفرما را کتک می زنند. بعد از آنروز کارگران بصورت گروههای ۳۰ نفری به کارخانه می آیند و خواستار رفتن به سرکار می شوند اما سرپرست نمی گذارد و دستوری می دهد که درب سالنها را ببندند و هیچکس را راه ندهند. در تاریخ ۵۸/۴/۱۰ کارگران باز هم به کارخانه می آیند و شب را مقابل آن میخوانند و صبح درب سالن را می شکند و بدون زور کارخانه می روند و کار میکنند ولی کارفرما می گوید که به شما حقوق نمیدهم. ۵۰۰ نفر از روزیکشنبه شورا تشکیل داده اند تا بهتر بتوانند با کارفرما مقابله کنند، مأموران کمیته هم از دو هفته پیش از کارخانه رفته اند.

گزارشی از کارخانه "خودروسازان"

یکشنبه: ۵۸/۴/۱۷

این کارخانه مبنی بوسه های OM را مونتاژ می کنند. کارفرما از حدود یکماه پیش از قیام ۲۱ بهمن، کارخانه را بطور متناوب تعطیل می کرد و علت آنرا کمبود وسایل اولیه ماشین وانمود می کرد.

یک ماه بعد از ازمید، کارفرما که دائم می خواست کارخانه را تعطیل کند، حدود ۷ نفر از مأمورین کمیته را دم در کارخانه می گذارد و از حدود ۱۰۰ کارگر فقط ۲۰ نفر را نگاه می دارد و به بقیه بازای هر سال کار، یکماه حقوق می دهد و اخراج شان می کند.

کارفرما با اسم مومنتی با یکی از کمیته های امام آشنا بود و علت آنکه کارفرما، کارگران را اخراج می کند اینست که می خواهد دستگاههای جدیدی وارد کند که به کارگران ماهر احتیاجی نداشته مثلا دستگاه پرسر بسوسله کارگران ساده کار می کند. که مزد ناچیزی میگیرند در حالیکه بدون ماشین پرس میجو است از کارگر ماهر استفاده کند که طبیعتاً مزد بیشتری می گیرد.

تقریباً سه هفته پیش حدود ۳۰ نفر از کارگران به

قانون اساسی باید حافظ منافع زحمتکشان باشد، نه

برخوردهای "مجاهدین" و اتحادیه دهقانی مریوان

حرخا روز ۵ / ۵ - ۵ "مجاهدین" مستقر در مریوان ، به سنگر پیش مرگها حمله می آورند ، هم - زمان با این حمله از پادگان نیز با توپ و خمپاره کالیبر ۵۰ به اتحادیه دهقانی حمله می کنند . در جریان این حمله بقول آنها ۸ نفر کشته و زخمی ولی به گفته اهالی ۸ نفر کشته شده اند . مهاجمین پس از ۲/۵ ساعت جنگ عقب نشینی کردند .

درد بپر...

ادامه از صفحه اول
نیکاراگوئه پس از یک نبرد قهرمانانه و خونین غلبه بر رهبری جنبه آزادی بخش ملی ساندنیت و با جفا گذاشتن بیش از ۴۰/۰۰۰ شهید ، به پایان پیروزمندانه خود رسید .

بدین ترتیب خلق قهرمان نیکاراگوئه طومار حکومت ننگین رژیم وابسته به امپریالیسم سوموزا ، ایمن دیکتاتور خون آشام را برای همیشه درهم بشکند دولت بازاری ملی را جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب ، حفظ و تامین منافع توسعه یافته ها و قطع کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا از شئون اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی ... میهن خود ، بر سر قدرت نشاند . پیروزی بزرگ خلق نیکاراگوئه متقابلا شکست مفتوحانه و دیگر باره امپریالیسم آمریکا و سقوط نوکر خلقه بگوش سوموزای دیکتاتور ، بار دیگر این مارش پسر - عظمت را در فضای جهان طنین افکن ساختگانه : " پیروزی از آن خلقهاست و امپریالیسم و کلیه رژیم - های ضد خلقی ، ارتجاعی و دیکتاتوری وابسته بدان در برابر اراده پرتوان خلقها و حرکت تکامل پابنده " تاریخ محکوم به شکستند و انقلاب پیروزمند جزا بر طبق یک نبرد مسلحانه و خودهای امکان پذیر نیست .

با این پیروزی شگرف ، بدون تک سرزمین نیکاراگوئه از این پس مشمل فروزان انقلاب و الهام بخش ایده های رزمجویانه برای خلقهای تحت ستم جهان و به خصوص آمریکای مرکزی درمناظرنا علیه امپریالیسم جهان - خوار آمریکا و رژیمهای ارتجاعی داخلی وابسته بدان خواهد بود . و دیری نخواهد پاید که جنبه و خشم - پایان خلقهای آمریکای مرکزی شعله ورگشته و ایمن منطقه را به کانون مشتمل انقلاب میدل کند و خرمن امپریالیسم آمریکا و خودکامان وابسته بدان را یک - سره نابود سازد .

ما این پیروزی بزرگ بر امپریالیسم آمریکا و رژیم دیکتاتوری سوموزا را به خلق قهرمان نیکاراگوئه و همه جنبه آزادی بخش ملی ساندنیت و به دولت بازاری ملی و نیز به خلقهای مرکزی آمریکای لاتین و کلیه خلق های تحت ستم جهان تبریک میگوئیم و پیروزیهای بیشتری را برای انقلابیون نیکاراگوئه آرزو میکنیم .

سزای خائن به خلق : یک سال تبعید به گیلان!

" برادران گیلانی " از فتوایهای بزرگ منطقه قزوین هستند و " داود گیلانی " در تقاضای و پستی و همکاری با رژیم شاه جلا بر دیگر برادران خود پیشی جسته بود . از همین رو مردم بعد از قیام ، خواستار اعدام داود شدند ، ولی داود از ترس خشم خلق مخفی شد . و بگفته مردم پس از دست کردن کار خود در کمیته امام و دادگاه انقلاب اسلامی قزوین ، توسط یکی از سرمایه داران مرتبط با کمیته امام ، خود را به دادگاه معرفی می کند . روابط دوست " داود گیلانی " با کمیته و دادگاه از یک طرف و روابط حسنه خود داود گیلانی با روحانیت قزوین (بخاطر روفه خوانی ، اطعام در ماه محرم ، دادن خانه به یکی از اعضای هیئت علمیه قزوین بنام " عباس ایوبتاری ") از طرف دیگر ، موجب می شود که روابط جای خوب را بگیرد و کسی که مردم و بویژه کشاورزان خواستار اعدام او بودند ، از روز دوشنبه ۳۰ تیر به کمال تبعید در استان خوش آب و هوای گیلان محکوم می شود . متقاضیان حکم غیر عادلانه دهقانان تحت ستم " داود گیلانی " در مسجد النبی قزوین متضمن می شوند و خواستار محاکمه علنی فرد مزبور میگرددند . او قبلا مخفی " محاکمه " شده بود - و تا کنون هزاران نفر از اهالی قزوین ، روستائیان متضمن را تا شید کرده اند و دوباره ، صد ها نفر علیه " گیلانی " راه پیمایی نموده اند .

قطعنامه

قراء الک ، سید اسماعیل و صارم آباد

در شماره ۹ پیکار گزارش مفصلی را از قریه (الک) به نقل از هسته آرسان زحمتکشان آوردم . در این شماره بخشی از قطعنامه قراء الک سید اسماعیل و صارم آباد را ملاحظه میکنید :
زحمتکشان مبارز شیروها رزمند []
ما کشاورزان قریه الک و سید اسماعیل و صارم آباد ، قطعنامه خود را به این شرح اعلام میداریم :
۱- ما خواهان محاکمه والی خان سندی ظالم خونخوار و طرفدار رژیم فاسد پهلوی هستیم .
۲- ما خواهانیم که شیره و درآمد سالهای بعد از اطلاعات ارضی تا به اسما را از والی خان گرفته و به صاحبان اصلی آن یعنی کشاورزان قراء " نامبرده " تحویل داده شود .
۳- ما خواهانیم که در آبادی ویران شده صارم آباد و سید اسماعیل که والی خان آنها را ویران کرده است از نو ساخته و به ساکنین آنها که در دهات و شهرها پراکنده و آواره اند پس داده شود .
۴- اگر چنانچه دولت نخواهد بار دیگر این فتوادل را به الک بازگرداند بایستی چنانچه ۱۷۰۰ نفر مردم الک و سید اسماعیل و صارم آباد را تحویل گورستان داده و یا همه آنها را تبعید و زندانی کند .
۵- در صورتیکه دولت خواستهای فوق را در اسرع وقت برآورده نسازد ما اهالی روستاهای فوق تصمیم خواهیم نمود .
کشاورزان قراء الک ، سید اسماعیل و صارم آباد

۵۸ / ۳ / ۲۲

اعتصاب کارخانه نختاب فیروزان

کارگران کارخانه در روز دوم تیرماه بخاطر گرفتاری دستمزدها که از طرف مدیر عامل کارخانه پرداخت نشده بود ، دست به اعتصاب می زنند و با این اعتصاب - ن اخراج مدیر عامل را نیز می خواهند . کارگران شیفت صبح دست از کار کشیده و نماینده شان با مدیر عامل در باره گرفتن مزدشان صحبت می کند و به نتیجه ای نرسند ، مدیر عامل می گوید امروز پول نداریم ، فردا می آوریم ، کارگران این گفته مدیر عامل را قبول نمی کنند و تظاهر - ات را در داخل کارخانه برای می اندازند و تا دم دریا دادن شعارهایی چون " میرزائی اعدام باید کرد " و " افراد کارخانه بعد از انقلاب تصفیه باید بشوند " به راهپیمایی می پردازند .

مدیر عامل ، چون اوضاع را ناخوش می بیند از اتاق بیرون آمده و می خواهد سوار ماشین بشود که در این موقع ، کارگران بطرف ماشین حمله می کنند و می گویند این ماشین مال ماست و از این به بعد ما باید سوار بشویم ولی بالاخره سوار ماشین می شود و در موقع رفتن مدیر عامل ، کارگران با صدای بلند ، سوت می کشند و همه فکر می - کنند که با این عملشان مدیر عامل را اخراج کرده اند در صورتیکه چندین ساعت بعد از آن به کارخانه بر - می آیند و قبل از آمدن مدیر عامل افراد کمیته با اطلاع کارفرما به کارخانه می آیند ولی کارگران چون قبلا ایمن افراد کمیته را شناخته بودند و ماهیت اینها برایشان مشخص شده بود ، همین طور که در چنین خوابیده بودند و در حیاطها هد پیکر صحبت می کردند به آقای کمیته انتصابی نمی کردند و تنها نماینده شان (آقای رنجبر) که فردی مذهبی است و همیشه کارش شناسایی کارگران آگاه می باشد به پیشواز افراد کمیته می رود این نماینده با عده ای از کارگران شیفت صبح و عصر تا ساعت ۴ بعد از ظهر با مدیر عامل و کمیته ای ها مذاکره می - کنند و سرانجام درخواستهایشان را بترتیب زیر معین می کنند که مورد تأیید کارگران قرار می گیرد :

- ۱- مدیر عامل در مقابل خواسته های کارگران فردی مسئول باشد .
- ۲- آب آشامیدنی باید از شهر آورده شود اکنون از آب چاه استفاده می کنند .
- ۳- حقوق در روز معینی که کارگران می گویند باید پرداخت شود ، یعنی نصف حقوق در روز ۱۵ ماه و نصف حقوق درسی ماه .
- ۴- مقداری پول در کارخانه باشد تا اینکه کارگران هر وقت خواستند ، بتوانند از آن استفاده کنند (چون می گفتند هر وقت پول می خواهیم می گویند نداریم) . این درخواستهای بود که بیشتر برویش تکیه می کردند .
- ۵- به کارگران در روز یک شیر پاستوریزه بدهند .
- ۶- به امور بهداشتی کارخانه رسیدگی بکنند .

کارگران پنج روز برای تحقق درخواستهایشان مهلت دادند

کارخانه را از کارفرما به اطلاع برسانند ، این سخنرانی در حضور کارفرما صورت گرفت . سخنران بعدی روحانی فوق الذکر بود . کمیته درباره اسلام و اینکه مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان است صحبت کرد . هدف مارکسیست ها را فقط مبارزه با مذهب توصیف کرد . او گفت که مارکسیست تحت شعارهای حمایت از کارگر و زحمتکشان هدف اصلی شان مبارزه با خدا و مذهب است - چیزی که سالیان درازی است توسط امپریالیستها و مرتجعین سراسر جهان مزورانه تبلیغ میشود - سخنران سپس با تمجیدی از کارفرما سخنانش را پایان برد . و سپس انتخابات در میان سی نفری کارگران برگزار شد .

هموطنان مبارز!

کمتهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران ، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (عمر آباد جنوبی سابق) وارد نمایند .

سرمایه داران و زمین داران بزرگ



رفیق ابراهیم نظری (کارگر)



رفیق در سال ۱۳۲۷ در فزونی متولد شده و تحصیلات خود را تا فوق دیپلم ادامه داده است. زندگی در مشن رنج و کار همراه با کارگران رزمکن میهنان، بتواند آشنائی رفیق با درد و رنج طبقه کارگر است. در طول سالهای ۲۶ تا ۵۲ در کارخانجات ایران ناسیونال، جنرال موتورز (آرپا - شاهین سابق)، کنتور سازی و ایران دوچرخ کار میکرد و همین خود موجب دیگری بود. آشنائی با پدری وی با رژیم وابسته به امپریالیسم شاهانه و زمینه مساعدی برای درک عمیق مسائل، درد ها و محرومیت های طبقه کارگر.

رفیق ابراهیم، در سال ۴۸ با مسائل سیاسی بطور جدی آشنا شده و زندگی سیاسی اش را نیز از آن سال آغاز نمود. بدینال آشنائی با مسائل سیاسی و درک ضرورت مبارزه انقلابی، در سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست که پس از دو سال زندگی مبارزاتی در این سازمان، در اوایل سال ۵۲ توسط جلالان ساواک در اصفهان دستگیر و در بیدادگاه شاه خاش به ۱۰ سال محبس محکوم گشت. در سال ۵۵ - ۵۴ در جرایم مبارزه ایدئولوژیک درون زندان، اندوخته های مبارزاتی وی و درک عمیق از زندگی طبقه کارگر موجب شد که رفیق تغییر ایدئولوژی داده و اندیشه 'طبقه کارگر را پیروز سازد'.

رفیق در اواخر سال گذشته بر اثر مبارزات خودهای وسیع خلقی میهنان از زندان آزاد شد. رفیق نظری هم اکنون در کارخانه کنتور سازی فزونی کار میکند و پیشتر در گروه را برای شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" پذیرفته و بعنوان کاندیدی نمایندگی این گروه معرفی شده است.



رفیق افخم احمدی

رفیق افخم احمدی، در خانواده متوسطی در بابل سه دنیا آمد. دوران دبستان را در بابل گذراند و سپس در ادامه تحصیلات خود به تهران آمد. دیپلم خود را در این شهر گرفت. او در سال ۱۳۵۱ وارد دانشگاه گردید و در دانشکده فنی تهران به تحصیلات خود ادامه میداد. این دوران مواجه بود با اوج گیری مبارزات خودها و بالا گرفتن جنبش دانشجویی. رفیق با شرکت در مبارزات دانشجویی و شرکت در مبارزات صنفی سیاسی دانشجویان دانشکده فنی، مبارزه را بر علیه رژیم منقرض پهلوی و حامیان امپریالیست آغاز نمود که تا به امروز ادامه دارد.

علاقه به خودها و عشق به آرمانهای رزمکنان سه زودی او را به مبارزات سیاسی کشاند. مبارزاتی که با آمدن دانشجویان به خیابانها به سرعت تبدیل به اردوی شدیدی که با بهای حکومت فاشیستی محمدرضا پهلوی ربه لوزه افکند. رفیق با پذیرش ایدئولوژی طبقه کارگر و اعتقاد به قدرت خودها در راه خدمت به آرمان زحمت کشان نهاد و در مرداد ۵۶ به گروه رزمندگان آزادی طبقه کارگر پیوست. و به همراه جمعی از دانشجویان دانشکده فنی به کار در میان طبقه کارگر و به مبارزه با رژیم پرداخت.

در اردیبهشت ۵۷ بدینال فزونی که از طرف ساواک به هسته انقلابی این رفقا (سمید کردفورد چورلو - محمود وحیدی - محمدرضا کلانتری) وارد آمد، و با در پیش گرفتن زندگی مخفی دوره جدیدی از مبارزات خود را آغاز کرد. که این مرحله با اوج گیری جنبش خودهای و قیام قهرمانانه مردم همراه بود.

قسمتهای از اعلامیه:

رزمندگان آزادی طبقه کارگر -
مبارزان آزادی خلق ایران -
انحدامبارزه در راه آزادی طبقه کارگر
پیوسته
مبارزان راه طبقه کارگر -
سازمان بیکاره در راه آزادی طبقه کارگر

چرا در انتخابات "مجلس خبرگان" شرکت میکنیم؟

● بورژوازی و همدستانش چه هدفی را از تشکیل یک مجلس، که نه مؤسسان است، نه دمکراتیک و نه توده ای دنبال میکنند؟
● چگونه می توان هدفهای میوه چینیان انقلاب را از تشکیل "مجلس خبرگان" افشا نمود؟

در اعلامیه پس از اذعان به قیام سپهر ماه و کارنامه بورژوازی و میوه چینیان که پس آمده است: سیر روبه صعود نارضایتی ها بعد از قیام، مبارزات و مقاومتی کارگران و دهقانان برای تامین خواسته هایشان، مبارزات طبقه برای تامین خودمختاری و مبارزات نیروهای انقلابی و ناکند بیکرانه آنها منتهی بر جهت گیری مبارزه بر علیه امپریالیسم و قطع همه جانبه سلطه و نفوذ آن، کوشش برای تحکیم دستاوردهایی که تا کنون در انقلاب بدست آمده است، و منفیلا دست درازی و تجاوز بورژوازی به این دستاوردها، سرکوب مبارزات خودها، ضد انقلابی خواندن انقلابیون و... همه اینها به اندازه کافی نشان میدهند که روند مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خودها ادامه داشته و متوقف نشده است. پیروزیهایی که تا کنون برای مردم حاصل شده است، نگرهایی که فتح نموده اند و آگاهی بیشتری که در جریان این مبارزات درخشان حاصل نموده اند ناکند بیشتری بر ادامه این روند میتواند باشد. در چنین شرایطی است که بورژوازی و همدستان وی میخواهند با تصویب قانون اساسی مورد نظرشان که وانمود میشود ساختاری حرکت انقلابی خودهاست، به نیات و عملکردهای ضد انقلابی خویش رسیمت دهند. آری آنها میخواهند در یک مجلس سیم بند که نه مؤسسان است و نه دمکراتیک و نه توده ای، بومضمون و وظیفه اطمینان متوقف نمودن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقی است. قانون اساسی ای را که هدف آن متوقف کردن و مهار کردن انقلاب است، تصویب نمایند.

در این رابطه موضع نیروهای انقلابی و م.م.ها باستانی افشا، این موضوع باشد. اما این امر چگونه به بهترین وجهی امکان پذیر است با شرکت، بایدون شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان"؟ کدام یک از اینها میتواند از یک موضع فعال به افشای این موضوع کمک نماید؟

اینکه باید با شایع در "مجلس خبرگان" شرکت نمود، باستانی با توجه به مجموعه شرایط عینی و ذهنی مبارزات خودها و اینکه خودها تا چه اندازه در تجربه خود مایه قدرتهای حاکم را شناخته اند. موضع گرفت. بورژوازی از همان ابتدا در مقابل خواسته های انقلاب ایستادگی نموده است. ارهان ایستاد با منافع امپریالیسم هوسویی نشان داده است. از همان ابتدا کوشش برای مهار کردن انقلاب به خرج داده است تا جاییکه در مقابل خواسته های خلقی، در همین مدت کوتاه ایستادگی و مدیت نمود و آنها را بارها به گلوله بسته است.

اما آیا اکثریت خودها به مایه دولت و اینکه آنها نه میخواهند و نه میتوانند خواسته های آنان را تامین نمایند، در تجربه زندگی و مبارزات خویش دست یافته اند؟ بنظر ما علی العموم نه! هنوز ما به مرحله ای نرسیده ایم که کذب ادعای بورژوازی و مایه دولت انقلابی او برای خودها درک شده باشد و میتوان گفت خودها در این مقلع بطور غالب دچار توهم و خوشنواوری هستند. نسخه اینکه شرایط ذهنی در چنان وضعی است که خودها همچنان به تامین خواسته های خود از طرف قدرتهای حاکم دل بسته و هنوز در تجربه، زندگی و مبارزه خود به این موضوع نرسیده اند که این قدرتها نمیتوانند انقلاب، آزادی، رفاه اجتماعی و تحولات عمیق و ریشه ای ایجاد نمایند.

بنابراین در جواب به این مسئله که آیا شرکت در انتخابات مجلس خبرگان با شرایط و خصوصیات کدایش جایز است یا نه، باید به مجموعه شرایط عینی و ذهنی مبارزات خودها توجه نمود و از این موضع حرکت کرد. با توجه به این مجموعه شرایط است که ما منقسم در این انتخابات باید شرکت کرد. روشن است که این شرکت از نظر م.م.ها، بهیچوجه هدف شرکت در قانونگزاری و چانه زدن بر سر قانون اساسی آنها را نداشته و مشخصا هدف افشای آن را چه در مضمون بحث حول قانون اساسی و چه در شکل سیر دمکراسیک این مجلس دنبال خواهد نمود. از نظر مضمون (در هورثیکه امکانی فراهم بود، که به احتمال فریب این بعضی منطقی است) این هدف عبارتست از: استفاده از تریبون که از طریق آن و از طریق نوعی که به این مرکز میشود، محتوای ضد انقلابی فوایستی که تصویب میشود، برای توده ها توضیح و نشان داده شود که انقلاب ما چه بوده است و آنها چه سدی در مقابل آن قرار میدهند و چگونه بر علیه آن نوظه میکنند. اما از نظر شکل، ما میتوانیم با شرکت خود در این انتخابات خودها را به دروغین بودن وعده و وعیدهای آنان درباره دمکراسی و آزادی، دروغین بودن مجلس و ادعاهای شیک میکنند. توجه دوم، این افشاکری بنظر ما در شکل تعریفی خویش که همان شرکت در انتخابات میباشد بهتر روشن تر صورت میگردد. تا شکل تدافعی تحريم، کمونیستها و نیروهای انقلابی در انتخابات نباید خود داوطلبانه این سکر را - ولسو اینکه بدلیل مایه غیردمکراتیک و محدودکننده این مجلس که شرکت آنان را عملا منتهی مینماید - حالی کنند. بلکه با شرکت خویش باید میوه چینیان انقلاب را در چنان وضعیتی قرار دهند که خود ما جهت خویش را در مقابل خودها و بصورت عینی در تجربه روزمره سیاسی خودها افشا، نمایان و نشان دهند که چگونه هیئت حاکمه، در مقابل حاسی ترین مسئله تمامی خلقی ما که تدوین قانون اساسی است، حاضر نیست نظرات افشاکرانه نیروهای انقلابی بگوش خلقی برسد. بدین ترتیب شرکت در این انتخابات بدین گونه هیچگونه چشم اندیزی به فرستادن نماینده به مجلس در میان باشد، خود میتواند افشاکر زنده شکل غیردمکراتیک و محدودکننده این مجلس باشد و خصوصیت تعریفی دارد. اما آیا این بدان معنی است که ما مرز بین شرکت، از موضع دفاع از منافع رزمکنان را با نوع شرکت از موضع بورژوازی مدخوس باریم؟ به هیچ وجه. ما شرکت کردن از این موضع را که خواهد بود بر سر بندهای قانون اساسی مورد نظر بورژوازی چانه زدن، لیبرالی و از موضع بورژوازی ارزیابی میکنیم. این نوع شرکت کردن است که توده خودها را بیشتر دامن زده و بر مایه فوایستی که میگردد سربوش میگردد. همچنین آن متناهی راهم که از زاویه فوق (عدم امکان چانه زدن برای تصویب قانون) صورت میگردد، لیبرالی مینماید.

بنظر ما فعالیت در این عرصه در عین حال که لازم است، اما بهیچوجه ارسطر کومینستها نباید به مثابه عرصه اصلی مبارزه تلقی کرد. کو اینکه این مجلس مجرد از اراده نیروهای انقلابی خود مرکز نوعی بوده و در این رابطه هم باید بدان توجه کرد و در آن شرکت نمود ولی هیچ وجه ناسعدرا هیئت آن مبالغه نمود. ما هیئت و شکل مجلسی که دولت بورژوازی هم اکنون تشکیل داده است، سرتوتست اش روشن تر از آن است که به این بیشتر از یک عرصه فرعی و موقت مبارزه بها داده شود.

هرچه بیشتر مایه فربت کارانه "مجلس خبرگان" را افشا کنیم کشته یاد مبارزه در راه دمکراسی انقلابی خودها بر توان یاد مبارزه خودها بر علیه ارتجاع و امپریالیسم